

## تحلیل مفاهیم و مبانی نظری دیوان بین‌المللی دادگستری

خداداد کشکولی<sup>۱</sup>، سهراب صلاحی<sup>۲\*</sup>، خیرالله پروین<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، گروه حقوق، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران

<sup>۲</sup> گروه حقوق، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران (نویسنده مسؤول)

<sup>۳</sup> استاد، گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

### چکیده

دیوان بین‌المللی دادگستری به‌عنوان رکن قضایی و یکی از ارکان اصلی ساختار سازمان ملل متحد است که اساسنامه آن جزء لاینفک منشور به‌حساب می‌آید. این امر موجب شده تا تعهد دولت‌ها به اجرای آراء دیوان، تعهدی ناشی از منشور تلقی گردد که در صورت تعارض بر سایر تعهدات آن‌ها اولویت دارد. مهم‌ترین وظیفه دیوان؛ با توجه به مبنای اصلی منشور، حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی است که به اعمال صلاحیت ترافعی می‌پردازد. علاوه بر آن ارائه نظرات مشورتی دیوان می‌تواند اقدام پیشگیرانه‌ای جهت جلوگیری از تبدیل اختلافات جزئی، به تهدیدی برای صلح باشد. از این‌رو آراء دیوان می‌تواند نقش مهمی در حل و فصل اختلافات بین‌المللی داشته باشد، اما به رغم برخی پیشرفت‌ها، به نظر می‌رسد، دیوان نتوانسته است در دست‌یابی به اهداف خود، رضایت لازم را کسب نماید، از این‌رو سؤال اصلی این پژوهش این است که جامعه بین‌الملل چگونه می‌توان شاهد پیشرفت قابل ملاحظه‌ای که نشانگر رشد تاثیرات دیوان در حل و فصل اختلافات و در نتیجه ارتقاء صلح و امنیت بین‌المللی است، باشد. پیش فرض اساسی این سؤال این است که به‌رغم جایگاه رفیع این دیوان در نظام ملل متحد به دلیل محدودیت‌های قانونی امکان فعالیت مؤثر از سوی آن همواره ممکن نبوده است و بنابراین نیازمند انجام اصلاحات لازم است.

**واژه‌های کلیدی:** منشور ملل متحد، دیوان بین‌المللی دادگستری، حل و فصل اختلافات، محدودیت‌ها، راهکارها

## مقدمه

اگرچه ارکان مختلف سازمان ملل متحد، از جمله شورای امنیت و مجمع عمومی، بر طبق وظایف و اختیارات مندرج در منشور، در مواردی که ممکن است صلح و امنیت بین‌المللی به مخاطره بیفتد، با توسل به روش‌های سیاسی، می‌توانند اختلافات بین‌المللی را حل و فصل نمایند. ولی دیوان بین‌المللی دادگستری، به‌عنوان یک ارگان قضائی ملل متحد، از جایگاه ویژه‌ای در منشور برخوردار است. چراکه تنها امیدواری برقراری صلح و امنیت دائمی در عرصه بین‌المللی، با برقراری عدالت بین‌المللی از طریق حقوق بین‌الملل میسر می‌باشد. به‌عبارت‌دیگر، یک جهان سازمان‌یافته بدون عدالت سازمان‌یافته، نمی‌تواند دوام بیاورد. به همین دلیل است که دیوان به‌عنوان یک رکن اصلی، و تنها رکن قضائی ملل متحد ایجاد شده است و تمام اعضا ملل متحد نیز خودبه‌خود عضو اساسنامه دیوان محسوب می‌شوند. دیوان بین‌المللی دادگستری به‌عنوان رکن اصلی قضائی ملل متحد تاکنون به قضایای گوناگون رسیدگی کرده و آراء مختلفی اعم از توافقی یا مشورتی صادر کرده است. این آراء از جنبه‌های مختلف چه برای طرفین موضوع و چه برای تمامی تابعان حقوق بین‌الملل واجد اهمیت می‌باشد. با توجه به مطالب عنوان‌شده در پی آن هستیم که به‌درستی مشخص نماییم.

با وجودیکه آراء دیوان بین‌المللی دادگستری نقش قابل‌ملاحظه‌ای در حل و فصل اختلافات بین‌المللی داشته و دارد، در عین حال همواره با مشکلات زیادی از جمله: موانع سازمانی، مشکلات ساختاری و محدودیت‌های صلاحیتی فراوانی مواجه بوده است و موجب شده تا نتواند در موضوعات مهم مرتبط با حفظ صلح و امنیت بین‌المللی مانند: نقض حقوق بشر، حقوق بشردوستانه و حق تعیین سرنوشت اعمال صلاحیت نماید و انتظاری که از این رکن قضایی می‌رود، تحقق نیافته است. برای افزایش کارایی و فعالیت مؤثر دیوان، لزوم بازبینی به‌ویژه در جهت گسترش حوزه صلاحیتی دیوان، امری بسیار ضروری به نظر می‌رسد تا دیوان بتواند به نحوه شایسته‌تری در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی مشارکت داشته باشد. دیوان با ارائه تفاسیر قضایی بر طبق حقوق بین‌الملل از منشور و معاهدات بین‌المللی و ایجاد رویه قضایی، نقش قابل‌ملاحظه‌ای در تداوم و توسعه حقوق بین‌الملل داشته و ضمن شناسایی حقوق عرفی آن‌ها را به نظم درآورده و با ایجاد رویه قضایی منسجم در ترسیم جایگاه اصل ممنوعیت توسل به‌زور و تعیین استثنائات، شرایط و معیارهای دفاع مشروع، دامنه این اقدامات را محدود نموده است.

## بیان مسئله

دیوان به‌عنوان ارگان حقوق بین‌الملل و یک دادگاه قضایی مستقل و بی‌طرف، در صورت توجه بیشتر می‌تواند نقش مهمی در رسیدگی به اختلافات مطابق حق و قانون و حل و فصل قضایای توافقی و صدور آرای مشورتی داشته باشد و با ارائه نظرات مشورتی خویش به سازمان‌ها، آن‌ها را در انجام وظایفشان یاری دهد، ابهامات حقوقی آنان را برطرف نماید و به‌عنوان مرجع تجدیدنظر در احکام سایر مراجع قضایی عمل نماید. دیوان صلاحیت تفسیر منشور را دارد و این امر دیوان را در موقعیت اظهارنظر نسبت به‌درستی اقدامات ارکان دیگر قرار می‌دهد که باید این نقش تقویت گردد. در نتیجه به‌رغم جایگاه رفیع این دیوان در نظام ملل متحد به دلیل محدودیت‌های قانونی که ذکر شد امکان فعالیت مؤثر از سوی دیوان همواره ممکن نبوده. به دلیل اینکه دیوان نیز مانند هر مرجع قضایی موظف است بر طبق اساسنامه خویش عمل نماید درحالی‌که چندین دهه از تدوین اساسنامه دیوان می‌گذرد و کماکان هیچ تغییری مهمی در اساسنامه و تطبیق آن با شرایط دنیای کنونی صورت نگرفته است. لذا بررسی جامعی از پرونده‌های مطرح‌شده در دیوان، شناخت دقیق موانع و محدودیت‌ها در ساختار، سازمان و صلاحیت‌های دیوان همچنین اصلاح و بازنگری آن‌ها امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

دیوان بین‌المللی دادگستری (به انگلیسی: International Court of Justice) یا به اختصار (ICJ) سازمانی است که مسئولیت رسیدگی به اختلافات بین‌المللی را بر عهده دارد. دیوان بین‌المللی دادگستری تحت سرپرستی سازمان ملل متحد عمل می‌کند و دارای صلاحیت قضایی در حل و فصل اختلافات بین‌المللی است.

کلیات دیوان بین‌المللی دادگستری عبارتند از:

۱. ساختار: دیوان بین‌المللی دادگستری تشکیل شده است از ۱۵ قاضی که به‌طور مستقل و بی‌طرف انتخاب می‌شوند. این قضاوت‌گران به مدت ۹ سال مأموریت دارند و در برخی از امور قضایی مورد انتخاب توسط دولت‌ها قرار می‌گیرند.

۲. صلاحیت: دیوان بین‌المللی دادگستری صلاحیت در رسیدگی به اختلافات بین‌المللی را داراست. این اختلافات می‌توانند مربوط به تفسیر تعهدات بین‌المللی، حقوق بشر، حقوق دریاها، حقوق بین‌المللی انسانی، حقوق بین‌المللی اقتصادی و سایر زمینه‌های قانونی باشند.

۳. آراء: دیوان بین‌المللی دادگستری با صدور آراء حقوقی، اختلافات بین‌المللی را حل و فصل می‌کند. این آراء برای دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی بر اساس قوانین بین‌المللی برجسته و منابع دیگر به عنوان استناد حقوقی خدمت می‌کنند.

۴. تفسیر قوانین: دیوان بین‌المللی دادگستری مسئولیت تفسیر قوانین بین‌المللی را نیز دارد. در صورتی که سازمان‌ها و دولت‌ها از تفسیر مشترک یا تعبیر صحیح قوانین بین‌المللی برای حل اختلافات خود استفاده نکنند، می‌تواند در رسیدگی به این موارد مشکلات را حل کند و نظر خود را بیان کند.

۵. اجرای آراء: دولت‌ها ملزم به اجرای آراء صادره توسط دیوان بین‌المللی دادگستری هستند. در صورتی که یکی از طرفین در اختلاف تأمین تعهدات خود را نکند، دیوان می‌تواند به سازمان ملل متحد ارسال کند تا اقدامات لازم را در جهت اجرای آراء انجام دهد.

۶. قراردادهای اختیاری: به جز رسیدگی به اختلافات بر اساس قراردادهای بین‌المللی، دیوان بین‌المللی دادگستری می‌تواند نیز بر اساس قراردادهای اختیاری که توسط دولت‌ها بنیاد رسیدگی به اختلافات مشخصی را بر عهده دارد، اقدام به رسیدگی به اختلافات کند.

دیوان بین‌المللی دادگستری با ایفای نقش حل‌وفصلی در اختلافات بین‌المللی، به تقویت حقوق بین‌المللی و حفظ صلح و امنیت جهانی کمک می‌کند. نقش آن در تسهیل فرایند رسیدگی به اختلافات و ارائه آراء حقوقی باعث اعتبار و اهمیت بیشتر این دیوان در جهان بین‌الملل می‌شود.

۷. صلاحیت دیوان: دیوان بین‌المللی دادگستری صلاحیت خود را بر اساس دو منشور اصلی تعیین می‌کند. اولین منشور، منشور سازمان ملل متحد است که به دیوان اجازه می‌دهد در رسیدگی به اختلافاتی که طرفان آن‌ها در تعهدات نیویورکی قرار دارند، دخالت کند. دومین منشور، منشور دیوان بین‌المللی دادگستری است که صلاحیت دیوان را در مواردی مشخص می‌کند که دولت‌ها طرف قضایی می‌شوند.

۸. طرح اختلافات: طرح یک اختلاف بین دو یا چند دولت در دیوان بین‌المللی دادگستری صورت می‌گیرد. هر یک از طرفین می‌توانند اختلاف را طرح کنند و سپس دیوان بر اساس فرآیند قانونی خود به رسیدگی و صدور آراء می‌پردازد.

۹. رسیدگی به اختلافات: دیوان بین‌المللی دادگستری رسیدگی به اختلافات را با توجه به شرایط خاص هر اختلاف انجام می‌دهد. این شامل مراحل تعیین صلاحیت، ارائه دفاع، بررسی شواهد و ارائه دلایل است. پس از اتمام رسیدگی، دیوان آراء خود را صادر می‌کند.

۱۰. اجرای آراء: عملیات اجرای آراء دیوان بین‌المللی دادگستری مسئولیت دولت‌های طرف است. در صورتی که دولتی در اجرای آراء تأخیر کند یا عدم اجرا کند، طرف دیگر می‌تواند به دیوان بین‌المللی دادگستری ارایه دعوی کند.

۱۱. استناد حقوقی: آراء صادره توسط دیوان بین‌المللی دادگستری به عنوان استناد حقوقی برای دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی استفاده می‌شوند. این آراء، مبنایی قانونی قابل اعتماد برای تفسیر و تعبیر قوانین بین‌المللی را فراهم می‌کنند. آراء دیوان بین‌المللی دادگستری تأثیر قابل توجهی بر توسعه حقوق بین‌المللی داشته و به تعزیز استانداردهای بین‌المللی کمک می‌کنند.

۱۲. عدم اختصاص قضایی: دیوان بین‌المللی دادگستری عدم اختصاص قضایی (lack of jurisdiction) را به عنوان یکی از اصول خود دارد. این به معنای آن است که دیوان تنها در مواردی که صلاحیت قضایی دارد و طرفان اختلاف دولتی هستند، می‌تواند رسیدگی کند. در صورتی که دیوان صلاحیت قضایی نداشته باشد، اختلاف به روش‌های دیگری مانند مذاکره، داوری یا توافق به حل و فصل می‌رسد.

۱۳. رابطه با سایر داوری‌ها: دیوان بین‌المللی دادگستری رابطه مستقیمی با داوری‌های خصوصی ندارد؛ اما به عنوان یکی از مراجع قانونی برای حل اختلافات بین‌المللی، می‌تواند در برخی موارد با داوری‌ها در ارتباط باشد. برخی از قوانین و توافق‌نامه‌های بین‌المللی اجازه می‌دهند تا داوری‌ها مسائلی را در مورد تفسیر قوانین بین‌المللی با دیوان مشورت کنند یا آراء دیوان را به عنوان استناد حقوقی در نظر بگیرند.

۱۴. اهمیت سیاسی و قانونی: دیوان بین‌المللی دادگستری برخلاف دیوان‌های داخلی، مستقل از دولت‌ها نیست و وابستگی‌های سیاسی را نیز تجربه می‌کند. اما با وجود این، نقش و اهمیت حقوقی آن نمی‌توان رد شد. دیوان بین‌المللی دادگستری به عنوان یکی از مؤسسات مهم سازمان ملل متحد و با صلاحیت‌های قضایی خود، نقش بسیار مهمی در توسعه حقوق بین‌المللی و صلح جهانی ایفا می‌کند.

وقوع جنگ و بروز خشونت همواره تهدیدی جدی برای زندگی بشر به شمار می‌آمده است و نبود راه‌حل مسالمت‌آمیز برای حل‌وفصل اختلافات بین‌المللی، سرانجام به جنگ‌های ویرانگر می‌انجامد که گاه امنیت منطقه و حتی امنیت بین‌المللی را به مخاطره می‌انداخت. به همین منظور می‌توان تأسیس دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی را از مهم‌ترین میراث جامعه ملل دانست که نشان‌دهنده عزم جدی و راسخ دولت‌ها برای حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات، در جهت دستیابی به صلح بود. اما عدم توانایی میثاق جامعه ملل و پیمان بریان کلوگ در جلوگیری از بروز جنگ موجب شد تا پس از تأسیس سازمان ملل؛ در اولین عبارات مقدمه منشور، «تصمیم ملل متحد به محفوظ نگه‌داشتن نسل‌های آینده از بلای جنگ» قلمداد گردد و به دنبال آن در بند اول ماده ۱ منشور، یکی از اصلی‌ترین اهداف سازمان که دچار تحول شده، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و فیصله مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی محسوب شود.

این وظیفه بر عهده سازمان و تمامی اعضای آن قرار بگیرد که با همکاری هم و رعایت اصول مندرج در منشور من جمله: اصل منع توسل به زور و لزوم حل‌وفصل اختلافات بین‌المللی از طرق مسالمت‌آمیز برای دستیابی به آن عمل نمایند. در این راستا دیوان بین‌المللی دادگستری نیز باهدف ایجاد شیوه‌ای دائمی برای حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات حقوقی، به‌عنوان رکن قضایی و یکی از ارکان اصلی ساختار سازمان ملل که اساسنامه آن جزء لاینفک منشور به شمار می‌آید، توسط ملل متحد تأسیس شد تا یکی از ارکانی باشد که علاوه بر رکن حل‌وفصل اختلافات بین‌المللی، از طریق فعالیت قضایی خاص خود بتواند نقش قابل توجهی با توجه به جایگاه ویژه و رفیعش در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی داشته باشد.

## ۱. کلیات دیوان بین‌المللی دادگستری

### ۱-۱. خاستگاه تاریخی دیوان بین‌المللی دادگستری

تاریخچه دیوان بین‌المللی دادگستری به تاریخها و رویدادهایی در حوزه حقوق بین‌المللی و صلح جهانی بازمی‌گردد. ۱. منشأ حقوق بین‌المللی: تاریخچه دیوان بین‌المللی دادگستری به منشأ و تاریخچه حقوق بین‌المللی برمی‌گردد. این حقوق، در طول قرون و با توجه به نیازهای جوامع بین‌المللی و تعاملات بین دولت‌ها شکل گرفته است. توسعه حقوق بین‌المللی و نیاز به داوری برای حل اختلافات منجر به تشکیل دیوان بین‌المللی دادگستری شد.

۲. تأسیس سازمان ملل متحد: پس از جنگ جهانی دوم، سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ تأسیس شد. هدف اصلی این سازمان، حفظ صلح و امنیت جهانی بود. تشکیل دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در چارچوب سازمان ملل متحد به وجود آمد تا در رسیدگی به اختلافات بین‌المللی و حل و فصل آن‌ها نقشی فعال داشته باشد.

۳. استفاده از داوری در صلح جهانی: در طول تاریخ، داوری برای حل اختلافات بین دولت‌ها و اجتماع‌های بین‌المللی استفاده می‌شد. ایده تشکیل یک دیوان بین‌المللی دادگستری که به طور مستقل و قانونی در رسیدگی به اختلافات بین‌المللی نقش داشته باشد، پیشتر نیز مطرح بود. اما با تأسیس سازمان ملل متحد، این ایده به عملیاتی شدن و تشکیل دیوان بین‌المللی دادگستری منجر شد.

۴. تشکیل دیوان بین‌المللی دادگستری: دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۱۹۴۵ تأسیس شد و به عنوان قسمتی از سازمان ملل متحد فعالیت می‌کند. دیوان با مجموعه اصول و قوانین خاصی که در منشور خود تعیین کرده، صلاحیت خود را در رسیدگی به اختلافات بین‌المللی براساس درخواست دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی برمی‌گرداند. با توجه به این موارد، می‌توان گفت که تاریخچه تشکیل دیوان بین‌المللی دادگستری از تاریخچه حقوق بین‌المللی، تأسیس سازمان ملل متحد و استفاده از داوری برای صلح جهانی مشتق می‌شود.

اروپای متجانس و حاکم بر جهان در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم از درون با تضادهای لاینحلی مواجهه بود. بروز ناشی از ملت‌ها، توسعه‌طلبی در مستعمرات و تعارضات ژئواستراتژیک منشأ این تضادها بودند. (گل کار، هاشمی و زارع، ۱۳۹۸: ۲۱).

در این شرایط بود که جنگ اول جهانی آغاز شد، بروز این جنگ و خشونت‌های بی‌سابقه در آن سبب شدند تا فکر ایجاد یک ساختار فراملی برای ایجاد صلح جهانی جدی تلقی شود، اندیشه‌ای که قبل از جنگ به سخره گرفته می‌شد در ۸ ژانویه ۱۹۱۸ ویلسون رئیس‌جمهور وقت آمریکا، اعلامیه ۱۴ ماده‌ای خود را در مقابل کنگره آمریکا مطرح و تشکیل جامعه‌ای عمومی متشکل از ملل مختلف باهدف صیانت از استقلال سیاسی و تمامیت ارضی آن‌ها را پیشنهاد نمود.<sup>۱</sup>

۱ - اعلامیه چهارده ماده ای وودرو ویلسون (Woodrow Wilson) حاوی مطالب زیر است.

۱ - منع موافقتنامه های سری و انعقاد علنی معاهدات

۲ - آزادی کامل کشتیرانی در دریاها در خارج از آبهای سرزمینی در زمان صلح و جنگ

۳ - حذف موانع اقتصادی و برقراری در روابط تجاری ملتهای طرفدار صلح و حامی آن

۴ - تضمین های مناسب برای کاهش تسلیحات منطبق با امنیت هر کشور.

۵ - حل بیطرفانه مسائل مستعمرات با توجه به حاکمیت دولت‌های مدعی و منافع سکنه بومی

۶ - تخلیه اراضی روسیه از نیروهای اشغالگر

۷ - توافق همگان بر احیای حاکمیت بلژیک

۸ - تخلیه اراضی فرانسه از نیروهای اشغالگر و جبران اشتباهاتی که پروس در ۱۸۷۱

جامعه ملل یا مجمع اتفاق ملل سازمانی میان دولتی بود که در ۱۹۲۰ در پی کنفرانس صلح پاریس (که رسماً به جنگ جهانی اول پایان داد) تأسیس شد. ۴۲ کشور عضو مؤسس جامعه ملل بودند و حداکثر تعداد اعضای آن (از ۲۸ سپتامبر ۱۹۳۴ تا ۲۳ فوریه ۱۹۳۵) به ۵۸ کشور می‌رسید. جامعه ملل سه رکن اصلی با نام‌های مجمع عمومی، شورای اجرایی، و دبیرخانه داشت. جامعه همچنین دو بال اساسی (دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی و سازمان بین‌المللی کار) داشت که اساسنامه آن‌ها را ارکان سه‌گانه تصویب کرده بودند؛ چندین نهاد و کمیسیون تخصصی دیگر نیز تحت سرپرستی جامعه ملل به کار مشغول بودند، که برخی از آن‌ها عبارت بودند از: سازمان بهداشت، کمیسیون قیمومیت‌ها، کمیته بین‌المللی همکاری اندیشمندان، هیئت مرکزی دائمی افیون، کمیساریای پناهندگان، کمیته برده‌داری، و کمیته مطالعه مقام قانونی زنان.

همچنین جامعه بر قیمومت قدرت‌های متفقین بر مستعمرات سابق امپراتوری‌های آلمان و عثمانی نظارت می‌کرد و علاوه بر حل مناقشات ارضی و اختلافات بین‌المللی دیگر، کنترل برخی مناطق تصریح‌شده در معاهده ورسای را برعهده داشت. مقر رسمی جامعه ملل در کاخ ملل، واقع در شهر ژنو در کشور سوئیس بود. جامعه ملل موفقیت‌ها و شکست‌هایی داشت. این سازمان توانست قدم‌هایی در راه تقویت حاکمیت قانون در سراسر جهان و مفهوم امنیت دسته‌جمعی و مقابله با بیماری‌هایی همه‌گیر، برده‌داری، کار کودکان، و ستم‌های استعمارگران بردارد و حقوق پناهجویان و کارگران را بهبود بخشد، ولی نتوانست به هدف اصلی خود، یعنی جلوگیری از یک جنگ جهانی دیگر دست یابد. پس از پایان جنگ جهانی دوم و در سال ۱۹۴۶ میلادی، متفقین تصمیم به انحلال این سازمان و جایگزینی آن با سازمان ملل متحد گرفتند. سازمان ملل برخی از نهادهای جامعه ملل را نیز به ارث برد.

میثاق جامعه ملل دارای یک پیشگفتار، ۲۶ ماده و دو ضمیمه است. ماده ۲ میثاق اعلام می‌کند که اختیارات جامعه از طریق یک مجمع عمومی، یک شورای اجرایی و یک دبیرخانه دائمی به‌موقع اجرا گذارده خواهد شد. علاوه بر آن‌ها، میثاق جامعه ملل وجود یک رکن قضایی را هم پیش‌بینی می‌کند، بدون آنکه آن را در زمره ارکان تشکیل‌دهنده جامعه محسوب نماید. علی‌رغم همه پیشرفت‌های میثاق در زمینه حل مسالمت‌آمیز اختلافات، از آنجایی که توسل به جنگ صد در صد منع نشده بود (و این خود یکی از اشکالات عمده میثاق بوده است) تلاش‌های بعدی به عمل آمد تا جایگاه شیوه‌های مسالمت‌آمیز حل اختلافات به‌عنوان اصل، ارتقاء یابد (میر عباسی، ۱۳۹۱: ۲۹). جامعه ملل در ۲۴ سپتامبر ۱۹۲۷ اعلامیه‌ای صادر نمود که در آن از کشورهای عضو اکیداً خواسته شد که از همه شیوه‌های مسالمت‌آمیز حل اختلافات استفاده شود.

۹ - تعیین مرزهای ایتالیا براساس اصل ملیتها

۱۰ - تامین استقلال برای مردمان اتریش و مجارستان

۱۱ - تخلیه اراضی رومانی، صبرستان و مونته‌نگرو از نیروهای اشغالگر، اعطای حق دسترسی به دریا به صبرستان و تعیین مرزها براساس واقعیات تاریخی

۱۲ - تامین استقلال بخش‌های جدا شده از امپراتوری عثمانی و تضمین امنیت سایر ملت‌هایی که در تحت لوای این امپراتوری زندگی می‌کنند و رفع موانع برای دستیابی آن‌ها به استقلال. تنگه‌های داردانل و بسفور نیز باید برای همیشه باز باشند.

۱۳ - دولت مستقل لهستان باید تشکیل گردد. این کشور باید شامل سرزمین‌هایی گردد که جمعیت آن‌ها لهستانی می‌باشند، امکان دستیابی به دریا نیز باید برای آن تضمین گردد.

۱۴ - باید جامعه‌ای متشکل از ملت‌های آزاد براساس کنوانسیون خاص ایجاد گردد که هدفش صیانت از استقلال سیاسی و تمامیت ارضی آن‌ها صرفنظر از وسعتشان باشد.

### ۱-۲. عملکرد جامعه ملل

اگرچه عملکرد جامعه ملل به دلایلی که مورد اشاره قرار خواهند گرفت ضعیف است، اما مطالعه آن به عنوان عملکرد اولین سازمان بین‌المللی جهانی باصلاحیت عام مفید می‌باشد. ایجاد جامعه ملل بر اساس نگرش آنگلساکسونی سبب گردید که این سازمان از همان ابتدا هم به لحاظ ساختاری و هم به لحاظ سازکارهای پیش‌بینی‌شده برای نیل به اهداف ضعیف بنماید. برخلاف نظر فرانسه و ایتالیا که خواستار سازمانی قوی با قدرت قاهره بودند، آمریکا و انگلستان جامعه‌ای را ایجاد نمودند که بیشتر مبتنی بر حسن اراده دولت‌های عضو بود. حتی توسل به زور در اساسنامه جامعه ملل ممنوع نشد، بلکه محدود گردید. اگرچه با تصویب اسنادی از جمله پروتکل ۲ اکتبر ۱۹۲۱ در مورد حل و فصل اجباری اختلافات از طرق مسالمت‌آمیز<sup>۲</sup> تلاش شد که برخی خلأهای میثاق رفع گردند. مع‌هذا جامعه ملل در طول حیات خود فقط توانست برخی اختلافات را حل و فصل کرده، پاره‌ای از مناقشات را فیصله دهد. در اینجا به مهم‌ترین قضایایی که جامعه ملل موفق به مداخله و انجام اقداماتی در مورد آن‌ها شد اشاره مختصری می‌شود (بیگ زاده، ۱۳۹۱: ۲۹۲ - ۲۸۸).

### ۱-۳. دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری

دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری (با نام رسمی دیوان بین‌المللی دادگستری برای صلح) نقش‌های متعددی را در حل و فصل اختلافات بین‌المللی ایفا می‌کند. در زیر به برخی از نقش‌های این دیوان اشاره می‌کنم:

- رسیدگی به اختلافات بین‌المللی: دیوان بین‌المللی دادگستری مسئولیت رسیدگی به اختلافات بین‌المللی را بر عهده دارد. این اختلافات ممکن است مربوط به تفسیر قوانین بین‌المللی، تعبیر تعهدات بین‌المللی، تعیین مسئولیت دولت‌ها و موارد مشابه باشد. دیوان در این اختلافات به عنوان یک دادگستری بین‌المللی تصمیماتی اتخاذ می‌کند.
- تفسیر قوانین بین‌المللی: دیوان بین‌المللی دادگستری مسئولیت تفسیر قوانین بین‌المللی را نیز دارد. این شامل تفسیر قوانین و معاهدات بین‌المللی، اصول عمومی حقوق بین‌المللی و سایر مستندات حقوقی است که برای حل و فصل اختلافات بین دولت‌ها و سازمان‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند.

تفسیر قوانین شامل موارد زیر می‌شود:

- تفسیر مفاهیم و اصطلاحات حقوقی: قوانین بین‌المللی ممکن است مفاهیم و اصطلاحاتی را در بر داشته باشند که نیاز به تفسیر دارند. دیوان دادگستری مسئولیت تفسیر این مفاهیم و اصطلاحات را دارد تا درک دقیق و یکنواخت از مضمون و اثر قوانین بین‌المللی تضمین شود.
- تفسیر مواد و مفاد قراردادهای: قراردادهای بین دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و دیگر نهادهای حقوقی می‌توانند دارای مواد و مفادی باشند که ممکن است نیاز به تفسیر دقیق داشته باشند. دیوان دادگستری مسئولیت تفسیر این مواد و مفاد را دارد تا صحت و قابل فهمی آنها تضمین شود.

۲- طبق این پروتکل دولت‌های طرف یک اختلاف مکلفند حل آن را به داوران منتخب خود یا به دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی واگذار کنند. اگر این تکلیف را انجام ندهند شورای اجرایی داوری را تحمیل می‌کند. اگر یکی از طرفین اختلاف از پذیرش حل مسالمت‌آمیز آن امتناع کند ممکن است ((متجاوز)) لحاظ گردد. در این حالت اعضای جامعه ملل مکلفند به دولت تجاوز شده کمک کنند و در صورت موافقت شورای اجرایی با اکثریت دو سوم، دولت متجاوز را مورد حمله نظامی قرار دهند.

۳. تفسیر معاهدات بین‌المللی: معاهدات بین‌المللی مهمترین منابع حقوق بین‌المللی هستند. تفسیر صحیح و یکنواخت معاهدات بسیار حائز اهمیت است. دیوان دادگستری مسئولیت تفسیر معاهدات را دارد تا به صورت حقوقی درک و تبیین کند که در صورت بروز اختلافات، نقش قراردادهای و تعهدات طرفین چگونه است.

۴. تفسیر اصول و مبانی حقوق بین‌المللی: اصول و مبانی حقوق بین‌المللی که در قوانین، معاهدات و مستندات دیگر به کار رفته‌اند، نیز نیاز به تفسیر و تبیین دارند. دیوان دادگستری مسئولیت تفسیر این اصول و مبانی را دارد تا اثربخشی و یکنواختی حقوق بین‌المللی را تضمین کند.

تفسیر قوانین و معاهدات بین‌المللی توسط دیوان دادگستری به منظور ارتقاء قانونگذاری و تفهیم صحیح حقوق بین‌المللی اهمیت زیادی دارد. تصمیمات دیوان در این خصوص به عنوان روشننگری حقوقی برای دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی ارزش قائل می‌شوند و راهنمایی می‌کنند که چگونه باید قوانین و تعهدات بین‌المللی را تفسیر کنند.

۳. ارائه نظر حقوقی: دیوان بین‌المللی دادگستری درخواست‌هایی که توسط ملل متحد، سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی و دولت‌ها برای ارائه نظر حقوقی درباره مسائل حقوقی و حقوق بین‌المللی به آن ارائه می‌شود، بررسی می‌کند و نظر حقوقی خود را ارائه می‌دهد.

ارائه نظریات حقوقی به منظور بررسی و تبیین مسائل حقوقی و حقوق بین‌المللی ارزشمند است. این نظریات توسط متخصصان حقوق، دانشمندان، وکلا و دیگر متخصصان حوزه حقوق تهیه می‌شوند. این نظریات به صورت نقدی، تحلیلی و تفسیری ارائه می‌شوند و به ماهیت و تفاوت‌های حقوقی مربوط به یک موضوع، نظام حقوقی مربوطه و قوانین مربوطه توجه می‌کنند.

هدف اصلی ارائه نظریات حقوقی عبارت است از:

۱. تبیین و تفسیر مفاهیم و اصول حقوقی: نظریات حقوقی می‌توانند به تفسیر و تبیین مفاهیم و اصول حقوقی کمک کنند. آنها ممکن است در تعیین مفهوم دقیق یک مفهوم حقوقی، روشن کردن تفاوت‌ها و توضیح نکات تاریخی و فلسفی مرتبط با حقوق بین‌المللی مفید باشند.

۲. مطالعه و تحلیل قوانین و قوانین جاری: نظریات حقوقی ممکن است به مطالعه و تحلیل قوانین و قوانین جاری بپردازند. آنها می‌توانند به بررسی تاریخچه و تکامل قوانین، مقایسه با سایر نظام‌های حقوقی و تشریح پیامدهای حقوقی و اجتماعی قوانین کمک کنند.

۳. توسعه و ارتقاء حقوق بین‌المللی: نظریات حقوقی می‌توانند به توسعه و ارتقاء حقوق بین‌المللی کمک کنند. آنها ممکن است با توجه به نیازهای جدید و چالش‌های امروزی جهان، نقاط ضعف در قوانین موجود را شناسایی کنند و پیشنهادهایی برای بهبود و تغییرات قانونی ارائه دهند.

۴. حل اختلافات حقوقی: در صورت بروز اختلافات حقوقی بین دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، نظریات حقوقی می‌توانند به عنوان مبنایی برای تجزیه و تحلیل مسئله و پیدا کردن راه‌حل‌های حقوقی مورد استفاده قرار گیرند.

به طور کلی، نظریات حقوقی تلاش می‌کنند تا با تبیین، تفسیر و بررسی مفاهیم و اصول حقوقی، به فهم بهتری از قوانین و حقوق بین‌المللی برسند و برای حل اختلافات حقوقی و توسعه قانونگذاری حقوق بین‌المللی مفید باشند.

۴. تعیین مسئولیت: دیوان دادگستری مسئولیت تعیین مسئولیت دولت‌ها در اختلافات بین‌المللی را نیز بر عهده دارد. در صورت وقوع حوادث یا خساراتی که نتیجه اقدامات یک دولت می‌باشد و اختلاف در مسئولیت و تعهدات دولت متهم وجود دارد، دیوان بر اساس شواهد و مدارک ارائه شده توسط طرفین تصمیمی را صادر می‌کند.



۵. تشریح حقوق بین‌المللی: دیوان بین‌المللی دادگستری به عنوان یک مرجع حقوقی بین‌المللی موظف است به تشریح حقوق بین‌المللی کمک کند. این شامل تدوین و پیشنهاد مبانی حقوقی، تفسیر و ارتقای اصول عمومی حقوق بین‌المللی و توسعه حقوق بین‌المللی است.

با توجه به نقش‌های مذکور، دیوان دادگستری نقش بسیار مهمی در تعزیز قانون و عدالت بین‌المللی ایفا می‌کند و به حل و فصل صلح‌آمیز اختلافات بین‌المللی کمک می‌کند.

در دومین کنفرانس صلح لاهه بود که نماینده آمریکا، پیشنهاد نمود علاوه بر دیوان داوری، یک دیوان دائمی دادگستری مرکب از قضات تشکیل شود. بریتانیا و آلمان، این نظر را پذیرفتند و پیش‌نویسی به ابتکار آمریکا، بریتانیا و آلمان، برای تشکیل این دیوان تهیه شد ولی به علت اختلاف در صلاحیت دیوان و انتخاب قضات، مورد پذیرش شرکت‌کنندگان در کنفرانس، قرار نگرفت (حبیبی، ۱۳۹۲: ۱۱۶).

در کنفرانس دریایی لندن ۱۹۰۸ تا ۱۹۰۹، کوشش شد تا دادگاه غنائم جنگی تشکیل شود و صلاحیت دیوان مطرح شده در کنفرانس ۱۹۰۷ صلح لاهه به دادگاه غنائم جنگی داده شود. ولی این کوشش‌ها نیز عقیم ماند (میرعباسی، ۱۳۹۱: ۱۳۴). که کنوانسیون‌های صلح پاریس، توافق شد که جزئیات مربوط به دیوان بین‌المللی که تمامی شرکت‌کنندگان در ایجاد آن اتفاق نظر داشتند، مطرح نشود ولی کمیته بین‌المللی مستقلی از حقوقدانان، یا پشتیبانی شورای جامعه ملل، اقدام به تهیه پیش‌نویس اساسنامه دیوان مذکور نماید.

بر اساس ماده دوازده میثاق جامعه ملل «اعضای جامعه مزبور، موظف شدند که اختلافات خود را از راه‌های مسالمت‌آمیز، حل‌وفصل نمایند.» به موجب ماده سیزده میثاق «اعضاء، تمامی اختلافات حقوقی خود را به داوری یا رسیدگی قضایی ارجاع می‌دهند و مطابق ماده چهارده میثاق شورای جامعه ملل، مکلف بود طرح‌های مختلف را برای بررسی دیوان بین‌المللی دادگستری، مطالعه و تهیه نماید و آن را در اختیار مجمع و هر یک از دولت‌های عضو قرار دهد تا به تصویب برسد.

شورای جامعه ملل بر اساس ماده چهارده که اشعار می‌دارد: «شورا موظف است طرح‌های لازم را به منظور تأسیس یک دادگاه دائمی بین‌المللی تنظیم کند و به اعضای جامعه ملل ارائه نماید. این دادگاه، باید صلاحیت رسیدگی به هر اختلافی را که ماهیت بین‌المللی داشته و طرفین اختلاف به دادگاه احاله نمایند، دارا باشد. دادگاه همچنین می‌تواند درباره هر اختلاف یا مسئله‌ای که از طرف شورا یا مجمع به آن ارجاع شود، نظر مشورتی دهد.» ایجاد دیوان بین‌المللی را در جلسات دوم و سیزدهم فوریه ۱۹۲۰ خود، مورد بررسی قرار داد و اعلام نمود که با تشکیل کمیته‌ای مرکب از حقوقدانان، طرح اساسنامه تهیه خواهد شد. جالب توجه اینکه تمامی اعضای کمیته، بر روی تشکیل چنین دیوانی قبلاً کار کرده بودند و هفت عضو از این کمیته، بعداً به‌عنوان قاضی دیوان انتخاب شدند (رضادوست، ۱۳۹۷: ۷۵). کمیته حقوقدانان، کار خود را در شانزدهم ژوئیه ۱۹۲۰ در کاخ صلح لاهه آغاز کرد و به‌عنوان مبنای کار، پیش‌نویس دادگاه پیشنهاد شده در کنفرانس صلح لاهه و اساسنامه دیوان دادگستری آمریکا مرکزی را مدنظر قرار داد و به‌علاوه، به بررسی پیش‌نویس‌های تهیه شده در دوران جنگ جهانی اول نیز پرداخت و پس از سی‌وپنج جلسه پیش‌نویس طرحی را به‌عنوان اساسنامه دیوان دائمی، در بیستم ژوئیه ۱۹۲۰ کامل نمود.

بر اساس این طرح که گزارش «دولا پرادل» فرانسوی نیز ضمیمه آن بود، شورای جامعه ملل مجدداً مسئله اساسنامه دیوان را در پنجم اوت ۱۹۲۰ مورد بحث قرارداد و در چندین جلسه به بررسی آن پرداخت و به‌جز چند اصلاح کوچک و عبارتی، بزرگ‌ترین تغییری که در مواد پیش‌نویس صورت گرفت، مربوط به صلاحیت اجباری دیوان بود که به عقیده شورا، متن تهیه شده توسط کمیته حقوقدانان، شکلاً با ماده سیزده میثاق جامعه ملل مغایر بود.

پیش‌نویس مذکور، در اختیار مجمع جامعه ملل قرار گرفت و مجمع نیز بررسی مقدماتی آن را به کمیته سه‌نفره‌ای محول نمود. این کمیته نیز یک هیئت ده نفره که پنج نفر از آنان، اعضای کمیته حقوقدانان بودند را ایجاد کرد. هیئت ایجادشده، یا تشکیل یازده جلسه در اواخر سال ۱۹۲۰ پیشنهادهای ارائه شده توسط دولت‌های مختلف عضو جامعه ملل را بررسی کرد و تغییرات و اصلاحات اندکی را در طرح به عمل آورد و کمیته سوم هم این تغییرات را موردپذیرش قرار داد. در سیزدهم دسامبر ۱۹۲۰، نهایتاً مجمع جامعه ملل، این طرح را به انفاق آراء، مورد تصویب قرار داد.

ماده ۱۴ میثاق جامعه ملل اعلام می‌دارد: «شورای اجرایی موظف است طرحی برای تأسیس دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی تهیه نماید و آن را به اعضا جامعه عرضه بدارد؟ شورای اجرایی در اجرای این ماده کمیته‌ای از حقوقدانان به ریاست بارون دکام<sup>۳</sup> تشکیل داد. این کمیته هم با استفاده از طرح معاهده مربوط به دیوان بین‌المللی غنائم که در سال ۱۹۰۷ تهیه شده بود، توانست پیش‌نویس اساسنامه دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی را تدوین نماید. این پیش‌نویس در ۱۶ دسامبر ۱۹۲۰ به تصویب جامعه ملل رسید و بدین ترتیب دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی به وجود آمد.

خلاصه این که دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی<sup>۴</sup> معروف به دادگاه جهانی<sup>۵</sup> بود که از سال ۱۹۲۲ تا ۱۹۴۶ فعالیت می‌کرد. در دوران فعالیتش که تقریباً ۲۵ سال طول کشید (که در شش سال آخر آن، به علت وقوع جنگ دوم جهانی، فعالیت نداشت)، جمعاً ۲۲ رأی ترافعی و ۲۶ رأی مشورتی صادر نمود و اکثریت‌قرب‌به‌اتفاق این آراء نیز توسط طرفین اختلاف به مورداجرا گذاشته شدند (حبیبی، ۱۳۹۲: ۲۵).

بنابراین از حیث تعداد آراء و اجراشدن احکام صادره، کارنامه این دیوان پربارتر از دیوان بین‌المللی دادگستری می‌باشد. درعین حال، نباید چندان‌هم بر این موقعیت پافشاری کرد. زیرا، باید توجه داشت که اکثریت‌قرب‌به‌اتفاق قضات این دیوان، از کشورهای غربی انتخاب می‌شدند.

لذا حقوق بین‌المللی که در این دیوان مجری بود، حقوق ساخته‌وپرداخته کشورهای غربی بود و به علت وجود استعمار، از کشورهای جهان سوم، تقریباً اثری نبود و آراء صادره نیز در جهت تثبیت این‌گونه حقوق بین‌الملل، گام برمی‌داشت. آنچه به‌عنوان نقطه قوت این دو دیوان به شمار می‌رود، به وجود آمدن تشکیلات قضایی بین‌المللی است که برای اولین بار کشورها توانستند دعاوی خود را در سطح بین‌المللی در آن مطرح کنند. از آنجایی که اشخاص رسیدگی‌کننده به دعاوی مطروحه در این مرجع حقوقدانان بنام بودند، آراء صادره، بار علمی بسیاری داشت.

به‌نحوی که امروزه نیز آراء مذکور مورد مطالعه و استناد قرار می‌گیرند. به همین ترتیب استدلال‌ات ارائه شده در هر دو دسته دعاوی تدافعی و مشورتی نیز از روش و اعتبار خاصی برخوردارند. در کل می‌توان باور داشت که ایجاد دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری، یک پیشروی مهم محسوب می‌شود و ایجاد دیوان بین‌المللی دادگستری پس از جنگ دوم جهانی که با پشتوانه ایجادشده توسط دیوان دائمی و بر اساس قواعد و اساسنامه این دیوان تشکل گرفته است، گواهی بر این مدعا می‌باشد (میرعباسی، ۱۳۹۱: ۱۵۳ - ۱۵۲). فعالیت این دادگاه در ۱۹۳۹ با حمله آلمان نازی به هلند در جریان جنگ جهانی دوم متوقف شد و ۱۸ آوریل ۱۹۴۶ از طرف مجمع عمومی جامعه ملل رسماً منحل شد و دیوان بین‌المللی دادگستری جایگزین آن گشت.

1. Baron Descamps

2 - Permanent court of International Justice

3 - world court

## ۲. تأسیس دیوان بین‌المللی دادگستری

دیوان بین‌المللی دادگستری که محل آن در شهر لاهه پایتخت کشور هلند قرار دارد، ارکان قضایی اصلی سازمان ملل متحد می‌باشد.

ماده هفت منشور ملل متحد:

این دیوان جانشین دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری است که در سال ۱۹۲۰ به وسیله جامعه ملل سابق به وجود آمد و در تاریخ هیجدهم آوریل ۱۹۴۶ رسماً منحل گردید. دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه بر پایه منشور ملل متحد و اساسنامه دیوان که منضم به منشور است، بنا گردیده است که البته آیین دادرسی دیوان را نیز باید به جمع این اسناد افزود. اساسنامه دیوان، هم‌زمان با منشور ملل متحد در بیست و چهارم اکتبر ۱۹۴۵ به مرحله اجرا درآمد و پس‌ازاینکه در تاریخ ششم فوریه ۱۹۴۶ انتخابات اولین دوره قضاوت عملی شد، دیوان برای اولین بار، در تاریخ اول آوریل همان سال رسماً در لاهه تشکیل جلسه داد. اولین قضیه‌ای که در نزد دیوان بین‌المللی دادگستری در تاریخ بیست و دوم می ۱۹۴۷ مطرح می‌گردد، قضیه تنگه کورفو است (میرعباسی، ۱۳۹۱: ۱۵۴).

### ۲-۱. مقایسه دیوان دائمی با دیوان بین‌المللی دادگستری

۱. نام و عنوان: دیوان بین‌المللی دادگستری (International Court of Justice - ICJ) که به عنوان دیوان بین‌المللی نیز شناخته می‌شود، و دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری (Permanent Court of International Justice - PCIJ) که قبل از تأسیس دیوان بین‌المللی دادگستری فعالیت می‌کرد.

۲. تاریخچه: دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری در سال ۱۹۲۲ تأسیس شد و در سال ۱۹۴۶ منحل شد، در حالی که دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۱۹۴۵ به تشکیل رسید و تاکنون فعال است.

۳. قوانین مربوطه: فعالیت دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری بر پایه استاتوت دیوان بین‌المللی دادگستری (Statute of the Permanent Court of International Justice) انجام می‌شد. اما فعالیت دیوان بین‌المللی دادگستری بر پایه موقعیت دیوان بین‌المللی دادگستری (Statute of the International Court of Justice) انجام می‌شود که در سال ۱۹۴۵ تصویب شد.

۴. عضویت: عضویت در دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری محدود به ۱۵ داور بود که توسط مجلس عمومی سازمان ملل متحد انتخاب می‌شدند. اما در دیوان بین‌المللی دادگستری، عضویت با توافق کلیه کشورهای عضو سازمان ملل متحد انجام می‌شود.

۵. محدوده صلاحیت: دیوان بین‌المللی دادگستری در صلاحیت‌هایی که در موقعیت آن مشخص شده است، قادر به قضاوت در اختلافات بین‌المللی است. در حالی که دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری نیز صلاحیت‌های خود را براساس موقعیت خود داشت، اما این دو دیوان در صلاحیت‌های خود تفاوت‌هایی داشتند.

۶. مقر: مقر دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری در لاهه، هلند بود، در حالی که مقر دیوان بین‌المللی دادگستری در هاگ، هلند قرار دارد.

به طور کلی، دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری از دیوان بین‌المللی دادگستری که بعدها تشکیل شد، جانشینی می‌کند و در برخی جوانب از جمله نام، قانونگذاری و صلاحیت‌ها تفاوت دارند.

تفاوت‌های قانونگذاری در دیوان دایمی بین‌المللی دادگستری (PCIJ) و دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) به شرح زیر است:

۱. ترکیب دیوان: در دیوان دایمی بین‌المللی دادگستری، تعداد داوران ثابت و معین بود و ۱۵ نفر بودند که از طریق انتخاب توسط مجلس عمومی سازمان ملل متحد انتخاب می‌شدند. اما در دیوان بین‌المللی دادگستری، تمام کشورهای عضو سازمان ملل متحد می‌توانند یک نفر را به عنوان داور انتخاب کنند.

۲. صلاحیت‌ها: صلاحیت‌های دو دیوان نیز تفاوت دارند. دیوان دایمی بین‌المللی دادگستری در قضاوت در اختلافات بین‌المللی مشارکت می‌کرد ولی صلاحیت‌های دیوان بین‌المللی دادگستری گسترده‌تر است و در صلاحیت‌های متنوعی مانند قضایای کیفری، قوانین بین‌المللی عمومی و خصوصی، تفسیر تعهدات بین‌المللی و غیره فعالیت می‌کند. صلاحیت‌ها در زمینه دیوان‌ها، به مجموعه قضایایی اشاره دارد که یک دیوان قادر به بررسی و رسیدگی به آنها است. صلاحیت‌ها تعیین می‌کند که چه نوع اختلافات و مسائلی در زمینه حقوق بین‌المللی می‌تواند توسط یک دیوان بین‌المللی مورد قضاوت قرار بگیرد.

صلاحیت‌های دیوان‌ها ممکن است متنوع باشند و بر اساس استاتوت و قوانین هر دیوان تعیین می‌شوند. بعضی از صلاحیت‌های رایج دیوان‌ها شامل موارد زیر می‌شود:

قضاوت در اختلافات بین‌المللی: دیوان‌ها می‌توانند در اختلافات بین‌المللی مانند تقسیم ترازوی آبیاری، ترجمه تعهدات بین‌المللی، تعیین مرزها، تفسیر قراردادهای و غیره قضاوت کنند.

- قضایای کیفری: در برخی موارد، دیوان‌ها می‌توانند در قضاوت در اتهامات جرائم بین‌المللی مانند جنایات جنگی، جرائم ضدانسانی و غیره نقش داشته باشند.

- تفسیر قوانین بین‌المللی: دیوان‌ها می‌توانند در تفسیر و تبیین معنای قوانین بین‌المللی و تعهدات بین‌المللی نقش داشته باشند.

صلاحیت در قوانین خصوصی: دیوان‌ها می‌توانند در قضاوت در اختلافات مرتبط با قوانین خصوصی مانند قوانین تجارت بین‌المللی، حقوق دریا، حقوق بشر و غیره فعالیت کنند.

مهم است بدانیم که هر دیوان بین‌المللی ممکن است صلاحیت‌های خاص و محدودی داشته باشد و بر اساس موقعیت خود عمل کند.

۴. رویه قضایی: رویه قضایی در دو دیوان نیز تفاوت دارد. در دیوان دایمی بین‌المللی دادگستری، رویه قضایی معین و مشخصی وجود داشت. اما در دیوان بین‌المللی دادگستری، رویه قضایی بر اساس قوانین داخلی دیوان تعیین می‌شود و می‌تواند تنوع بیشتری داشته باشد.

این تفاوت‌ها در قانونگذاری نشان می‌دهد که هر دو دیوان دارای ساختارهای حقوقی منحصر به فردی هستند و در صلاحیت‌ها، ترکیب دیوان و رویه قضایی تفاوت‌هایی دارند.

برخی از وجوه اشتراک و افتراق دیوان دائمی با دیوان بین‌المللی دادگستری را اختصاراً به شرح زیر نیز بیان می‌کنیم:

#### الف) وجود اشتراک

۱ - هر دو دیوان پس از جنگ جهانی و به منظور تصفیه مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی به وجود آمده‌اند.

۲ - ماهیت کار هر دو دیوان قضایی است و از این نظر به طور یکسان با داوری فرق دارند.

- ۳ - وظایف عمده هر دو دیوان یکسان و عبارت از حل و فصل اختلافات میان دولت‌ها و دادن رأی مشورتی است.
- ۴ - مدافعات فقط بر روی دولت‌ها باز و مبنای صلاحیت ترافیعی آن‌ها تراضی اطراف اختلاف است.
- ۵ - رأی مشورتی را به تقاضای سازمان‌های بین‌المللی می‌دهند و دولت‌ها چنین حقی را ندارند.
- ۶ - فقط به اختلافات حقوقی دولت‌ها رسیدگی می‌کنند و فقط درباره مسائل حقوقی رأی مشورتی می‌دهند.
- ۷ - هر دو دیوان در صورت اختلاف نسبت به صلاحیت آن‌ها، تصمیم قاطع می‌گیرند.

#### ب) وجوه اختلاف

- ۱ - دیوان بین‌المللی دادگستری رکن اصلی قضایی سازمان ملل متحد محسوب می‌شود و اساسنامه‌اش ضمیمه منشور و جزء لاینفک آن است، در حالی که دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی از ارکان جامعه ملل محسوب نمی‌شود، بلکه موسسه وابسته به جامعه ملل بود و اساسنامه‌اش جزء لاینفک میثاق نبود بلکه به موجب یک قطعنامه مجمع عمومی جامعه ملل به تصویب رسید.
- ۲ - عضویت در سازمان ملل متحد مترادف با عضویت در دیوان جدید است. در حالی که دولت‌های عضو جامعه ملل به خودی خود عضو دیوان دائمی محسوب نمی‌شدند.
- ۳ - عضویت در دیوان دائمی فقط برای دولت‌های عضو جامعه ملل و دولت‌های مذکور در ضمیمه میثاق مفتوح بود، در حالی که عضویت در دیوان جدید برای تمام دولت‌ها (اعم از عضو و غیرعضو) با شرایط مذکور در منشور، میسر است.
- ۴ - تقاضای رأی مشورتی از دیوان دائمی فقط برای مجمع عمومی و شورای جامعه ملل میسر بود ولی دیوان جدید علاوه بر مجمع عمومی و شورای امنیت به تقاضای سایر ارکان ملل متحد و سازمان‌های تخصصی که از طرف مجمع عمومی مجاز شده‌اند نیز رأی مشورت می‌دهد.
- ۵ - اجرای احکام دیوان دائمی به حسن نیت دولت محکوم‌علیه یا زور و قدرت دولت محکوم‌له بستگی داشت، در حالی که اجرای احکام دیوان جدید در صورت امتناع و سرپیچی دولت محکوم‌علیه به عهده شورای امنیت است. اگرچه اجرای احکام دیوان جدید بین‌المللی با اجرای احکام محاکم داخلی مطابقت ندارد (ایزدی، ۱۳۹۵: ۱۲)، با توجه به وضع بین‌المللی موجود که ناشی از حقوق حاکمیت دولت‌هاست، مشکل می‌توان مقررات مؤثری اتخاذ کرد، ضمن اینکه گاهی اوقات نیز ممکن است یکی از اعضای شورای امنیت محکوم‌علیه واقع شود (مانند دعوی نیکاراگوئه و ایالات متحده آمریکا که در آن آمریکا محکوم شد) و این بر پیچیدگی اوضاع می‌افزاید.
- ۶ - طرز اصلاح مواد اساسنامه دیوان دائمی پیش‌بینی نشده بود ولی در دیوان جدید طبق مواد ۶۹ و ۷۰، اصلاح اساسنامه میسر است.
- ۷ - گرچه اساسنامه دیوان مبنای اساسنامه جدید است، مع‌الوصف به اقتضای این که دیوان منحل و دیوان جدیدی تشکیل شده است، اساسنامه جدید با اساسنامه قدیم فرق‌هایی دارد.

#### ۲-۲. ساختار و تشکیلات دیوان بین‌المللی دادگستری

دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) همچنین به نام دیوان جهانی شناخته می‌شود، اصلی‌ترین نهاد قضایی سازمان ملل متحد است. ساختار و سازمان این دیوان به شرح زیر است:

۱. تشکیل: دیوان بین‌المللی دادگستری از ۱۵ قاضی تشکیل شده است که توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد و شورای امنیت انتخاب می‌شوند. این قاضیان به مدت نه سال خدمت می‌کنند و قابلیت انتخاب مجدد دارند. ترکیب دیوان به منظور نمایندگی عادلانه از توزیع جغرافیایی و تنوع نظامهای حقوقی است.
  ۲. ریاست: دیوان بین‌المللی دادگستری یک رئیس و یک معاون رئیس دارد که توسط قاضیان برای مدت سه سال انتخاب می‌شوند. آنها در رسیدگی به پرونده‌ها و نمایندگی دیوان در ارتباط با سایر سازمان‌ها و دولت‌ها سرپرستی می‌کنند.
  ۳. اتاق‌ها: دیوان بین‌المللی دادگستری به دو اتاق اصلی تقسیم می‌شود: سازمان قضایی اصلی و اتاق مربوط به رسیدگی‌های خلاصه. سازمان قضایی اصلی به پرونده‌های متنازعات، که شامل اختلافات بین دولت‌ها می‌شوند، رسیدگی می‌کند. اتاق مربوط به رسیدگی‌های خلاصه پرونده‌هایی را که طبیعت فوریت دارند و نیاز به تصمیم سریع دارند، رسیدگی می‌کند.
  ۴. روند قضایی: دیوان بین‌المللی دادگستری جلسات علنی برگزار می‌کند که در آن طرف‌ها استدلال‌ها و شواهد خود را ارائه می‌دهند. دیوان بر اساس اصل برابری طرف‌ها عمل کرده و به آنها فرصت ارائه دفاع خود را می‌دهد. قاضیان درباره پرونده بحث می‌کنند و حکم صادر می‌کنند که بر طرف‌های درگیر لازم الاجرا است.
  ۵. آراء مشورتی: دیوان بین‌المللی دادگستری اختیار دارد نظرات مشورتی درباره سؤالات حقوقی که توسط نهادهای مجاز سازمان ملل متحد یا سازمان‌ها و نهادهای دیگر ارجاع شده است، ارائه کند. این آراء به زور نیستند، اما وزن حقوقی قابل توجهی دارند و به عنوان تفسیرهای معتبر از حقوق بین‌المللی مورد قبول قرار می‌گیرند.
  ۶. دفترخانه: دیوان بین‌المللی دادگستری یک دفترخانه دارد که به دیوان در امور اداری و حقوقی کمک می‌کند. این دفترخانه در سازماندهی جلسات، نگهداری پرونده‌ها و ارتباطات بین دیوان و طرف‌های درگیر کمک می‌کند.
  ۷. رابطه با سازمان ملل متحد: دیوان بین‌المللی دادگستری تحت حمایت سازمان ملل متحد فعالیت می‌کند، اما مستقل از سایر نهادهای سازمان ملل متحد عمل می‌کند. آن ارتباط نزدیکی با سازمان ملل متحد، به ویژه با مجمع عمومی و شورای امنیت، دارد.
- ساختار و سازمان دیوان بین‌المللی دادگستری طراحی شده است تا از نظام‌مندی، استقلال و کارایی عملکرد قضایی آن در رفع اختلافات بین دولت‌ها و ارائه تفسیرهای معتبر از حقوق بین‌المللی اطمینان حاصل شود.
- توجه به نظام‌مندی در سازمان و عملکرد دیوان بین‌المللی دادگستری به معنای رعایت قوانین، آراء و رویه‌های مشخص شده است. این به معنای اجرای مراحل و روندهای مشخص در رسیدگی به پرونده‌ها، ارائه آراء قضایی و صدور حکم‌ها است. سازماندهی منظم و منطقی فرایندهای قضایی، ثبت و نگهداری دقیق اسناد و پرونده‌ها، رعایت زمانبندی مشخص و رعایت حقوق طرف‌های درگیر از جمله نمونه‌هایی از نظام‌مندی در فعالیت‌های دیوان بین‌المللی دادگستری است. این رعایت نظام‌مندی به عدم تبعیض، عدالت و انصاف در رسیدگی به پرونده‌ها و ارائه تصمیمات نهایی کمک می‌کند.
- استقلال در مورد دیوان بین‌المللی دادگستری به معنای مستقل بودن آن از تأثیرات و تعاملات سیاسی، اقتصادی یا دیگر نهادها است. استقلال دیوان بین‌المللی دادگستری از دو جنبه مهم تشکیل می‌شود:
۱. استقلال از نهادهای سیاسی و دولتی: دیوان بین‌المللی دادگستری باید به عنوان یک نهاد قضایی مستقل از تأثیرات و فشارهای سیاسی و دولتی عمل کند. این به معنای این است که قضات باید بر اساس حقوق بین‌المللی و متخصصانه‌هایت حقوقی تصمیم‌گیری کنند و به صورت ناورا و بدون تأثیر مستقیم از دولت‌ها و سیاست‌هایشان عمل کنند.

۲. استقلال در تصمیم‌گیری: قضات دیوان بین‌المللی دادگستری باید بتوانند براساس تحلیل و تفسیر حقوق بین‌المللی، مسائل را به طور مستقل بررسی کنند و تصمیم‌گیری کنند. آنها باید برای رسیدن به حقیقت و اعلام عدالت و انصاف، از تمامی منابع حقوقی و استدلال‌های قانونی استفاده کنند، بدون تأثیری از جهات دیگر.

به‌طور کلی، استقلال دیوان بین‌المللی دادگستری ضمانت می‌کند که تصمیمات و آراء آن بر اساس حقوق بین‌المللی و منطق قضایی به دست آمده و بدون تأثیرات خارجی و منحصر بفردی صادر می‌شوند. این استقلال می‌تواند جهت حفظ روح و مأموریت دیوان در تسویه اختلافات بین‌المللی و تقویت قانون‌گذاری جهانی بسیار مهم باشد.

دیوان بین‌المللی دادگستری مطابق مواد ۲ الی ۳۳ اساسنامه و مواد ۱ الی ۱۸ و همچنین ۳۲ الی ۳۷ آیین‌نامه داخلی خود اداره می‌شود. طبق مواد ۲ و ۳ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، دیوان مذکور عبارت از یک هیئت قضایی مرکب از ۱۵ قاضی و یا حقوقدان مستقل است که بدون توجه به ملیت آن‌ها از میان کسانی که عالی‌ترین مقام اخلاقی را دارا و هر یک واجد شرایط لازم برای احراز مشاغل عالی قضایی در کشور متبوع خود باشند و یا از جمله معتبرترین افراد در علم حقوق و دارای شهرت بسزا در زمینه حقوق بین‌الملل باشند، انتخاب می‌شوند (موسی زاده، ۱۳۹۲: ۹۶۴).

این قضات از طرف سازمان ملل متحد (شورای امنیت و مجمع عمومی) انتخاب می‌شوند و از جانب دولت‌های متبوع خود منصوب نمی‌شوند. قضات دیوان مأموران دولتی نیستند تا تابع مقررات و دستورات کشورهای خود باشند و از این‌رو برای تضمین استقلال آن‌ها، مصونیت‌هایی مثل مأموران سیاسی قائل شده‌اند. این قضات غیرقابل عزل هستند و اصولاً نباید هیچ‌گونه فعالیت شغلی دیگر، داشته باشند. هر یک از آنان باید قبل از شروع به کار در جلسه عمومی دیوان، متعهد شوند که صلاحیت‌های خود را که طبق اساسنامه بدان‌ها محول شده در کمال بی‌طرفی و درستی کامل، اعمال کنند. قضات دیوان برای مدت ۹ سال انتخاب می‌شوند و پس از سپری شدن دوره مجدداً قابل انتخاب هستند. تجدید انتخاب کامل در پایان هر ۹ سال امکان دارد به دوام و استمرار دیوان لطمه‌ای بزند، از این‌رو، هر سه سال یک‌بار به‌قیدقرعه یک‌سوم قضات طبق ماده ۱۳ اساسنامه تغییر می‌کنند (میرعباسی، ۱۳۶۳: ۱۸۵).

مجمع عمومی و شورای امنیت هر یک به‌طور مستقل اعضای دیوان را انتخاب می‌کنند. انتخاب شوندگان هم در شورا هم در مجمع عمومی باید اکثریت مطلق آرا را کسب کنند. در رأی شورای امنیت برای انتخاب قضات دیوان بین اعضای دائم و غیردائم شورای امنیت تفاوتی وجود ندارد (مواد ۸ و ۱۰ اساسنامه دیوان). قضات دیوان باید از قبول هر نوع مأموریت سیاسی یا اداری که جنبه حرفه‌ای داشته باشد، خودداری کنند.<sup>۶</sup> اعضای دیوان در هیچ دعوایی نمی‌توانند سمت نماینده، مشاور یا وکیل یکی از طرفین یا عضویت در محکمه‌ای ملی یا بین‌المللی یا یک هیئت تحقیق یا به هر عنوان دیگری مداخله داشته باشند.<sup>۷</sup> برای تشکیل دیوان حضور حداقل ۹ قاضی ضرورت دارد.<sup>۸</sup>

در مورد شیوه انتخاب قضات دیوان بین‌المللی دادگستری حائز اهمیت در اساسنامه دیوان مذکور ذکر شده است، که بدان اشاره می‌کنیم: نکته اول این‌که در رأی شورای امنیت برای انتخاب قضات بین اعضای دائم و غیر دائم شورای امنیت هیچ فرقی نیست و هرگاه آرای مجمع عمومی و شورای امنیت به بیش از یک نفر از اتباع یک کشور داده شود، فقط بر اساس سن،

<sup>۶</sup> - ماده ۱۶ اساسنامه دیوان

<sup>۷</sup> - ماده ۱۷ اساسنامه دیوان

<sup>۸</sup> - ماده (۳) ۲۵ اساسنامه دیوان

مسئولترین آنها انتخاب می‌شود، از این رو اعضای دائم شورای امنیت، نمی‌توانند در انتخاب قضات از حق و تو استفاده کنند و از سوی دیگر هیچ کشوری نمی‌تواند بیش از یک عضو در هیئت قضات داشته باشد.<sup>۹</sup>

نکته دوم این که در گزینش قضات، انتخاب‌کنندگان باید در نظر داشته باشند اشخاصی که برای عضویت دیوان معین می‌شوند، نه تنها باید دارای شرایط مقرر باشند بلکه مجموعاً بتوانند نماینده نظام‌های حقوقی بزرگ دنیا به شمار آیند. با توجه به اینکه قضات دیوان باید نمایندگان تمدن‌های بزرگ بشری و نظام‌های مهم حقوقی باشند، لذا در انتخاب آنها دولت‌های عضو مستقیماً حق دخالت و معرفی کاندیدا ندارند بلکه این امر در دو مرحله صورت می‌گیرد:

مرحله نخست: معرفی کاندیداها توسط گروه‌های ملی است که در دیوان دائمی داوری عضویت دارند، که آن هم پس از مشورت با مراجع ملی، مثل مراجع قضایی داخلی (دادگستری) دانشکده‌های حقوق و غیره است. هر گروه ملی حق دارد ۴ نماینده معرفی کند که از این میان فقط دو نماینده از اتباع خود را به دبیر کل سازمان ملل معرفی نماید و مشارالیه نیز فهرست کاملی از کاندیداها تهیه و جهت اقدام به شورای امنیت و مجمع عمومی ارسال دارد.

مرحله دوم: انتخاب قضات یا مجمع عمومی و شورای امنیت است، این روش انتخاب که قبلاً برای برگزیدن قضات دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی نیز به کار می‌رفت، به نظر مناسب و پسندیده می‌رسد زیرا به نظرات کلیه کشورها اعم از کوچک و بزرگ توجه شده است.

لازم به ذکر است که قضات دیوان کارمند سازمان ملل متحد هستند و حقوق و مزایای آنها از بودجه عادی سازمان پرداخت می‌شود. قضات مزبور در اجرای وظایف مزبور در اجرای وظایف خود از مزایا و مصونیت‌های دیپلماتیک برخوردار خواهند بود. همچنین اعضای دیوان را نمی‌توان از شغل خود منفعّل کرد مگر آنکه سایر اعضا به اتفاق رأی دهند که آن عضو دیگر واجد شرایط مقرر نیست.

## ۲-۳. صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری

صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری (International Court of Justice) به شکل کلی به مجموعه‌ای از قوانین و مقررات تابعه این دیوان اطلاق می‌شود که تعیین می‌کند در چه شرایطی و درباره چه اموری، دیوان می‌تواند صلاحیت داشته باشد. صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری بر اساس قواعد مندی تعیین می‌شود و با هدف تضمین عدالت و حل و فصل صلح‌آمیز اختلافات بین‌المللی در نظر گرفته شده است.

در مورد صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری، برخی از مسائل و عوامل زیر در نظر گرفته می‌شوند:

صلاحیت موضوعی: این بیانگر حوزه‌هایی است که دیوان می‌تواند درباره آنها قضاوت کند. موضوعاتی که به دیوان ارجاع می‌شوند معمولاً اختلافات بین‌المللی است که می‌توانند مشمول حقوق بین‌الملل عمومی یا تخصصی باشند.

صلاحیت موضوعی به معنای حوزه‌ها و موضوعاتی است که یک دیوان یا سازمان حقوقی می‌تواند درباره آنها قضاوت کند. در صورتی که یک دیوان صلاحیت موضوعی را داشته باشد، می‌تواند درخواست‌ها و اختلافاتی که در حوزه موضوعات مشمول صلاحیت آن قرار دارد، را بررسی و حل کند.

صلاحیت موضوعی یک دیوان بین‌المللی یا سازمان حقوقی ممکن است به صورت کلی و گسترده باشد و تمام موضوعات حقوقی را شامل شود، یا ممکن است محدود و مشخص شده باشد و فقط به بخشی از موضوعات حقوقی اعمال شود.

<sup>۹</sup> - ماده ۱۰ اساسنامه دیوان



مثلاً، در صورتی که یک دیوان بین‌المللی صلاحیت موضوعی در حوزه حقوق بحران‌های دریایی داشته باشد، می‌تواند درخواست‌ها و اختلافاتی که مرتبط با حقوق و قوانین دریاها و بحار دنیا باشد، را مورد بررسی و قضاوت قرار دهد. اما در خارج از این حوزه، صلاحیت موضوعی دیوان محدود خواهد بود و نمی‌تواند درباره موضوعاتی مانند حقوق تجارت بین‌المللی، حقوق بشر یا حقوق بین‌المللی محیط زیست قضاوت کند.

صلاحیت موضوعی یک دیوان بین‌المللی معمولاً در قوانین، مقررات، یا قراردادهای که تشکیل دهنده قانون اساسی دیوان می‌شوند، تعیین و تبیین می‌شود. این مواد قانونی تعیین می‌کنند که دیوان بین‌المللی درباره چه مسائلی صلاحیت دارد و در چه شرایطی می‌تواند درخواست‌ها و اختلافات را بررسی و قضاوت کند.

۲. صلاحیت فردی: دیوان بین‌المللی دادگستری صلاحیت برای قضاوت دارد تنها در مورد اشخاص حقوقی (مانند دولت‌ها) و نه افراد حقیقی. در موارد خاص، دولت‌ها می‌توانند درخواست کننده حقوقی باشند.

صلاحیت فردی به معنای اشخاصی است که می‌توانند در مقام داور، قاضی یا عضو دیگری از یک دیوان یا سازمان حقوقی فعالیت کنند. در صورتی که یک فرد صلاحیت فردی را داشته باشد، می‌تواند به عنوان داور یا قاضی در موضوعاتی که صلاحیت دیوان یا سازمان حقوقی را شامل می‌شود، عمل کند.

صلاحیت فردی ممکن است شامل موارد زیر باشد:

۱. داوری: شخصی که صلاحیت فردی داوری را دارد، می‌تواند در اختلافات بین دو طرف یا گروه صلح‌آمیز کننده و تصمیم‌گیری کننده باشد. او به عنوان داور، مسئولیت تفسیر قوانین و قواعد حقوقی مرتبط با اختلاف را بر عهده می‌گیرد.

۲. قضاوت: شخصی که صلاحیت فردی قضاوت را دارد، می‌تواند به عنوان قاضی در دادگاه‌ها و محاکم قضائی فعالیت کند. او بر اساس قوانین و مقررات مربوطه، قضاوت کرده و تصمیم‌های قانونی را اعلام می‌کند.

۳. عضویت در سازمان‌های حقوقی: فردی که صلاحیت فردی عضویت در یک سازمان حقوقی را دارد، می‌تواند به عنوان عضوی از آن سازمان در جلسات و نشست‌های آن شرکت کند و در تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌های سازمانی مشارکت داشته باشد.

صلاحیت فردی بر اساس قوانین و مقررات مربوطه تعیین می‌شود. برای این منظور، معمولاً معاهدات، قوانین داخلی کشورها، قراردادهای یا مقررات داخلی سازمان‌ها معیارهای مشخصی برای صلاحیت فردی تعیین می‌کنند.

۳. صلاحیت ترتیبی: دیوان بین‌المللی دادگستری تنها زمانی صلاحیت دارد که دولت‌ها طرفین اختلاف باشند و به دیوان درخواست کننده قضاوت کنند. از طریق امضای قراردادهای یا توافق‌نامه‌ها، دولت‌ها می‌توانند صلاحیت دیوان را قبول کنند.

صلاحیت ترتیبی به معنای صلاحیت یک دیوان یا مرجع قضایی برای بررسی و قضاوت در مواردی است که به ترتیب مشخصی باید به آنها پرداخته شود. با توجه به اهمیت، ترکیب، توالی یا مراحل که در رسیدگی به موارد قانونی باید انجام شود، مراجع قضایی ممکن است صلاحیت ترتیبی را مشخص کنند.

صلاحیت ترتیبی به طور کلی می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

۱. صلاحیت اولیه (Jurisdiction *ratione personae*) صلاحیتی که مرتبط با اشخاص حاکمیتی یا حقوقی است که می‌توانند در یک دعوی یا اختلاف قانونی شرکت کنند. این صلاحیت می‌تواند بر اساس ملیت، تابعیت، وضعیت حقوقی یا سایر ملاک‌های مشخص شده توسط مقررات قانونی تعیین شود.

۲. صلاحیت مکانی (Jurisdiction *ratione loci*) صلاحیتی که مرتبط با محل جغرافیایی واقعه حقوقی است. این شامل تعیین صلاحیت بر اساس قراردادهای، قوانین داخلی یا قوانین بین‌المللی می‌شود.

۳. صلاحیت موضوعی (*Jurisdiction ratione materiae*) صلاحیتی که مرتبط با موضوع یا حوزه قانونی دعوی است. برای مثال، یک دیوان ممکن است صلاحیت موضوعی برای رسیدگی به اختلافات تجاری، حقوق بشر، حقوق دریاها، حقوق محیط زیست و غیره داشته باشد.

۴. صلاحیت زمانی (*Jurisdiction ratione temporis*) صلاحیتی که مرتبط با زمان وقوع واقعه حقوقی است. این صلاحیت ممکن است محدودیت‌هایی را برای رسیدگی به مواردی که قبل از یا بعد از یک تاریخ معین رخ داده‌اند، تعیین کند. صلاحیت ترتیبی توسط مقررات قانونی، قوانین داخلی یا قراردادهای مشخص می‌شود و هدف آن تعیین مرجعی مناسب برای بررسی و قضاوت در موارد قانونی است.

۴. صلاحیت زمانی:

دیوان بین‌المللی دادگستری تنها در اختلافاتی صلاحیت دارد که پس از تاریخ ورود به قوانین و مقررات آن، رخ داده باشد. صلاحیت دیوان در تعیین تاریخ صلاحیتی تعیین می‌شود که دولت‌ها باید از آن پیروی کنند.

صلاحیت زمانی (*Jurisdiction ratione temporis*) به معنای صلاحیت یک دیوان یا مرجع قضایی برای رسیدگی به مواردی است که زمان وقوع آنها یا مدت زمانی که پس از وقوع آنها گذشته است، تعیین می‌کند. این نوع صلاحیت معمولاً به منظور محدود کردن زمان قابل قبول برای ارائه شکایت یا پیگیری حقوقی در نظر گرفته می‌شود و ممکن است توسط قوانین، مقررات، قراردادهای یا توافق‌نامه‌های مربوطه تعیین شود.

صلاحیت زمانی می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

۱. صلاحیت زمانی انحصاری: در برخی موارد، ممکن است قوانین یا توافق‌نامه‌ها محدودیت‌هایی را برای ارائه شکایت یا اقدامات حقوقی بعد از گذشت زمانی خاص تعیین کنند. به عنوان مثال، در برخی قوانین حقوق مدنی، مهلت زمانی مشخصی برای ارائه شکایت پس از وقوع واقعه حقوقی تعیین می‌شود.

۲. صلاحیت زمانی تازه: در برخی موارد، صلاحیت دیوان یا مرجع قضایی ممکن است به مواردی محدود شود که در زمان وقوع واقعه حقوقی هنوز آغاز نشده‌اند و یا در زمان تعیین شده توسط قوانین یا توافق‌نامه‌ها پیش از پایان یا تغییر یافته باشند.

۳. صلاحیت زمانی مستمر: در برخی موارد، دیوان یا مرجع قضایی ممکن است صلاحیت داشته باشد تا در طول یک دوره زمانی خاص، از تاریخ وقوع واقعه حقوقی، درخواست‌ها و اختلافات را بررسی کند.

صلاحیت زمانی به عنوان یک معیار مهم در صلاحیت دیوان‌ها و مراجع قضایی استفاده می‌شود تا محدودیت‌هایی برای زمانی که ارائه شکایت یا پیگیری حقوقی ممکن است اعمال شود و به حفظ امنیت حقوقی طرفین و اجتناب از پرونده‌های قدیمی و غیرقابل پیگیری کمک کند.

موارد فوق تنها بخشی از مواردی است که در تعیین صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری در نظر گرفته می‌شود. دیوان بین‌المللی دادگستری برای تضمین حل و فصل عادلانه و قانونی اختلافات بین‌المللی و حفظ قواعد و اصول حقوق بین‌الملل فعالیت می‌کند.

صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه در مورد رسیدگی به اختلافات محوله طبق حقوق بین‌المللی ناشی از بند اول ماده ۳۸ اساسنامه دیوان «دیوان بین‌المللی دادگستری که مأموریت دارد اختلافاتی را که به آن رجوع می‌شود بر طبق حقوق بین‌المللی حل و فصل نماید و موازین زیر را اجرا خواهد کرد:

الف - عهدنامه‌های بین‌المللی را اعم از عمومی و خصوصی که به موجب آن قواعدی معین شده است که طرفین اختلاف آن قواعد را به رسمیت شناخته‌اند؛

ب - عرف بین‌المللی به عنوان رویه‌ای کلی که به صورت قانون پذیرفته شده است.

ج - اصول عمومی و حقوقی که مقبول ملل متمدن است؛

د - رعایت حکم ماده ۵۹ تصمیمات قضایی و عقاید برجسته‌ترین مبلغین ملل مختلف به منزله وسائل فرعی برای تعیین قواعد حقوقی؛»

ماده ۹۳ منشور سازمان ملل متحد: ۱ - تمام اعضای ملل متحد به خودی خود قبول کنندگان اساسنامه دیوان بین‌الملل دادگستری هستند. ۲ - هر کشوری که عضو ملل متحد نیست می‌تواند با قبول شرایطی که در هر مورد برحسب توصیه شورای امنیت توسط مجمع عمومی معین می‌گردد، اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری را قبول نماید.»

ماده ۳۴ اساسنامه دیوان: ۱ - فقط دولت‌ها می‌توانند به دیوان بین‌المللی دادگستری رجوع کنند. ۲ - دیوان مزبور می‌تواند طبق شرایط مقرر در آئین‌نامه خود در مورد دعاوی که به دیوان رجوع شده است از موسسه‌های بین‌المللی عمومی اطلاعات نخواهد و نیز اطلاعاتی را که این مؤسسات با ابتکار خود به دیوان می‌دهند، دریافت خواهد کرد. ۳ - هرگاه در ضمن دعاوی که به دیوان رجوع گردیده تفسیر سند تأسیس یک موسسه بین‌المللی عمومی یا تفسیر قرارداد بین‌المللی که به موجب آن سند قبول شده است مطرح گردد، دفتر دیوان باید صورت جلسات کتبی محاکمه را به اطلاع آن موسسه برساند.»

**ماده ۳۵ اساسنامه دیوان:** ۱ - دولت‌های امضاء کننده این اساسنامه حق رجوع به دیوان بین‌المللی دادگستری را دارند. ۲ - شرایطی که به موجب آن سایر دولت‌ها می‌توانند با رعایت مقررات خاص عهدنامه‌های جاری به دیوان مذکور رجوع کنند از طرف شورای امنیت معین خواهد شد بدون اینکه در هیچ مورد در آن شرایط برای طرفین دعوی یک عدم تساوی در مقابل دیوان ایجاد گردد. ۳ - هرگاه دولتی که عضو ملل متحد نیست طرف دعوا واقع گردد دیوان بین‌المللی دادگستری سهمیه ای را که باید آن دولت در مخارج دیوان متحمل گردد معین خواهد نمود معذک اگر آن دولت در مخارج دیوان شرکت داشته باشد دیگر اجرای این حکم موردی نخواهد داشت.

**ماده ۳۶ اساسنامه دیوان:** ۱ - دیوان بین‌المللی دادگستری نسبت به کلیه اموری که طرفین دعوی به آن رجوع می‌کنند و همچنین نسبت به موارد خاصی که به موجب منشور ملل متحد یا به موجب منشور ملل متحد یا به موجب عهدنامه و قراردادهای جاری پیش‌بینی شده است صلاحیت رسیدگی را دارد. ۲ - دولت‌های امضا کننده این اساسنامه می‌توانند در هر موقع اعلام دارند که قضاوت اجباری دیوان بین‌المللی دادگستری را نسبت به تمام اختلافاتی که جنبه قضایی داشته و مربوط به موضوعات ذیل باشد در مقابل هر دولت دیگری که این تعهد را متقبل گردد به خودی خود و بدون قرارداد خاصی قبول می‌نمایند.

الف - تفسیر یک عهدنامه؛

ب - هر مسئله که موضوع حقوقی بین‌المللی باشد؛

ج - حقیقت هر امری که در صورت ثبوت، نقض یک تعهد بین‌المللی محسوب می‌گردد؛

د - نوع و میزان غرامتی که باید برای نقض یک تعهد بین‌المللی داده شود.

۳ - اعلامیه‌های مذکور ممکن است بدون هیچ قید یا به شرط معامله متقابل با چند دولت یا به بعضی از آن‌ها برای مدت معینی به عمل آید.

۴ - این اعلامیه‌ها به دبیرکل سازمان ملل متحد تسلیم می‌شود و ایشان رونوشت آنرا به امضاء کنندگان این اساسنامه و همچنین به دفتر دیوان بین‌المللی دادگستری ارسال می‌دارد.

۵ - اعلامیه‌هایی که به موجب ماده ۳۶ اساسنامه دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی صادر شده و هنوز معتبر است، در روابط بین امضاء کنندگان این اساسنامه در حکم آن خواهد بود که قضاوت اجباری بین‌المللی دادگستری برای بقیه مدت مذکور در آن اعلامیه‌ها و بر طبق مقررات آن‌ها قبول شده است.

۶ - در صورت اختلاف راجع به صلاحیت دیوان، حکم دیوان قاطع است.

**ماده ۳۷ اساسنامه دیوان:** هرگاه به موجب یک عهدنامه یا قراردادی که هنوز معتبر است، ارجاع اختلاف به هیئت قضاتی پیش‌بینی شده باشد که می‌بایستی از طرف جامعه ملل یا دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی تشکیل گردد، نسبت به امضاء کنندگان این اساسنامه آن هیئت قضاوت عبارت خواهد بود از دیوان بین‌المللی دادگستری.

بند اول ماده ۳۴ اساسنامه دیوان مقرر می‌دارد «فقط دولت‌های می‌توانند به دیوان رجوع کنند». بنابراین اشخاص خصوصی اعم از حقیقی یا حقوقی نمی‌توانند مدعی یا مدعی علیه قرار گیرند.<sup>۱۰</sup>

همچنین سازمان‌ها و موسسه‌های عمومی بین‌المللی، فاقد اهلیت برای ترافع در مقابل دیوان رجوع کنند. بنابراین اشخاص خصوصی اعم از حقیقی یا حقوقی نمی‌توانند مدعی یا مدعی علیه قرار گیرند.<sup>۱۱</sup>

این نکته قابل تذکر است که اصولاً تقاضای رأی مشورتی در شأن سازمان‌ها و موسسه‌های عمومی بین‌المللی است؛ ولی ترافع در شأن دولت‌هاست (آرچر، ۲۰۲۰: ۱۱۲).

این دولت‌ها را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

الف - کشورهای عضو سازمان ملل متحد

بند اول ماده ۳۵ اساسنامه دیوان مقرر می‌دارد: «کشورهای امضاء کننده این اساسنامه حق رجوع به دیوان را دارند.» و بند اول ماده ۹۳ منشور ملل متحد می‌افزاید: «تمام اعضا ملل متحد به‌خودی‌خود جزو قبول کنندگان اساسنامه دیوان می‌باشند»<sup>۱۲</sup>.

ب - کشورهای غیر عضو سازمان ملل متحد که اساسنامه دیوان را قبول کرده‌اند.

به‌موجب بند دوم ماده ۹۳ منشور ملل متحد «هر کشوری که غیر عضو ملل متحد است می‌تواند با قبول شرایطی که در هر مورد برحسب توصیه شورای امنیت توسط مجمع عمومی معین می‌شود اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری را قبول کند».

---

<sup>۱۰</sup> - ممنوع بودن این اشخاص از حضور در مقابل دیوان به معنای محروم بودن آن‌ها از احقاق حق به وسیله دیوان نمی‌باشد. در صورت بروز اختلاف بین اشخاص حقیقی یا حقوقی با یک دولت خارجی، دولت

<sup>۱۱</sup> - ممنوع بودن این اشخاص از حضور در مقابل دیوان به معنای محروم بودن آن‌ها از احقاق حق به وسیله دیوان نمی‌باشد. در صورت بروز اختلاف بین اشخاص حقیقی یا حقوقی با یک دولت خارجی، دولت متبوعه آن شخص می‌تواند به استناد حق حمایت دیپلماتیک دعوی او را متقبل گردد و احقاق حق او را به عهده بگیرد و علیه دولت خارجی در دیوان طرح دعوی کند؛ ولی این امر موکول به شرایطی است از جمله اینکه: دولت خارجی از اجرای عدالت در مورد آن شخص امتناع کند، با اینکه مرجعی برای رسیدگی به دعوی آن شخص علیه دولت خارجی (در داخل کشور) موجود نباشد و یا اینکه رسیدگی در مراحل داخلی تا آخر مرحله انجام پذیرفته باشد، ولی آن شخص مدعی باشد که به حقوق نرسیده است.

به عنوان مثال در دعوی: *Ambatielos*، دعوی شرکت نفت ایران و انگلیس، تا ته بوهوم *Interhandel*، *Guardianship* و «*Nottebohm*» و *Barcelona Traction* مسأله حمایت دیپلماتیک مطرح گردیده است.

<sup>۱۲</sup> - به منظور آگاهی از اساس این کشورهایی به سالنامه دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه مراجعه شود

برای نخستین بار دولت سوئیس در ۲۶ اکتبر ۱۹۴۶ شرایط کشورهای غیر عضو که خواهان امضای اساسنامه دیوان هستند را از دبیرخانه سازمان ملل استعلام کرد. مجمع عمومی نیز بنا به توصیه ای که از سوی شورای امنیت دریافت کرده بود در تاریخ ۱۱ دسامبر ۱۹۴۶ طی قطعنامه شماره (۱) ۹۱ شرایط مزبور را به شرح زیر تعیین کرد:

۱ - پذیرش مقررات اساسنامه دیوان.

۲ - پذیرش تعهدات مندرج در ماده ۹۴ منشور

۳ - تعهد برای پرداخت حق عضویت در دیوان

در حال حاضر کشور سوئیس، کشور غیر عضو است که اساسنامه دیوان را در تاریخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۴۸ پذیرفته است. علاوه بر سوئیس، لیختن شتاین و سان مارینو (در ایتالیا) عضو سازمان ملل متحد نیستند؛ ولی جزو قبول کنندگان اساسنامه دیوان می باشند و این دو کشور کوچک به ترتیب در تاریخهای ۲۹ مارس ۱۹۵۰ و ۱۸ فوریه ۱۹۵۴ سند قبول یخود را نزد دبیرخانه سازمان ملل تودیع کرده‌اند. ژاپن نیز از ۲ آوریل ۱۹۵۴ تا ۱۸ دسامبر ۱۹۵۶ که عضو سازمان ملل متحد شد، همین وضع را داشت.

ج - کشورهای غیر عضو سازمان ملل که اساسنامه دیوان را نیز نپذیرفته اند.

منشور ملل متحد معترض این نکته نشده است که کشورهای غیرقبول کننده اساسنامه در مقابل دیوان چه وضعی خواهد داشت؛ ولی ماده ۹۲ منشور جریان کار دیوان را به اساسنامه خود دیوان موکول کرده است و بند دوم ماده ۳۶ اساسنامه دیوان مقرر می‌دارد: «شرایطی که به موجب آن سایر کشورها می‌توانند با رعایت مقررات خاص عهدنامه‌های جاری، به دیوان مزبور رجوع کنند از طرفی شورای امنیت معین خواهد شد؛ بدون اینکه در هیچ مورد، در آن شرایط برای اطراف دعوی یک عدم تساوی در مقابل دیوان تولید گردد»<sup>۱۳</sup>. منظور از «سایر کشورها» با توجه به بند اول همین ماده، کشورهای غیر قبول کننده اساسنامه دیوان هستند که بدیهی است عضو ملل متحد نیز نمی‌باشند. کشورهای غیر عضو سازمان ملل که اساسنامه دیوان را نیز نپذیرفته اند در صورتی حق مراجعه به دیوان را دارند که شرایط تعیین شده از سوی شورای امنیت را قبول کنند. این شرایط که در قطعنامه شماره ۹ شورای امنیت مورخ ۱۵ اکتبر ۱۹۴۶ اعلام شده است، اختصاراً به شرح زیر است:

۱ - کشور غیر عضو سازمان و غیر قبول کننده اساسنامه باید قبلاً اعلامیه ای مبنی بر پذیرش صلاحیت دیوان و تعهد به اجرای صادقانه رأی یا آرای دیوان را نزد دفتر دیوان تودیع کرده باشد.

۲ - اعلامیه مذکور می‌تواند خاص یا عام باشد. در اعلامیه خاص، کشور صادرکننده اعلامیه صرفاً صلاحیت دیوان را در یک یا چند اختلاف می‌پذیرد درحالی‌که در اعلامیه عام صلاحیت دیوان به‌طور کلی و در مورد کلیه اختلافات یا یک یا چند نوع مخصوص از اختلافات پذیرفته می‌شود.

۳ - اصل اعلامیه‌ها در بایگانی دبیرخانه دیوان مضبوط خواهد ماند و نسخه های مصدق آن از طرف دفتر دیوان به کلیه کشورهای قبول کننده اساسنامه دیوان و دیگر کشورها که مطابق این قطعنامه اعلامیه داده‌اند، و برای دبیر کل سازمان ملل ارسال خواهد شد.

۴ - شورای امنیت حق الغا یا اصلاح این قطعنامه را به‌وسیله یک قطعنامه دیگر که به‌موقع خود برای دیوان ارسال خواهد شد دارد (...).

<sup>۱۳</sup> - همچنین به ماده ۴۱ و بند اول حرف C ماده ۲۶ «آیین دادرسی» جدید (سال ۱۹۷۸) دیوان بین‌المللی دادگستری مراجعه شود.

۵ - کلیه مسائل مربوط به تشخیص اعتبار یا اثر هر اعلامیه ای که طبق این قطعنامه صادر شود تابع تصمیم دیوان خواهد بود.<sup>۱۴</sup>

در گذشته، کشورهای: آلبانی (سال ۱۹۴۷) و ایتالیا (سال ۱۹۵۳) به صدور اعلامیه خاص و نیز کشورهای: کامبوج (سال ۱۹۵۲)، سیلان (سال ۱۹۵۲)، فنلاند (سالهای ۱۹۵۳ و ۱۹۵۴)، لائوس (سال ۱۹۵۲)، جمهوری فدرال آلمان (سال های ۱۹۵۵، ۱۹۵۶، ۱۹۶۱، ۱۹۶۵، ۱۹۷۱) به صدور اعلامیه عام، قبل از اینکه عضو سازمان ملل متحد شوند یا جزو قبول کنندگان اساسنامه دیوان در آیند، مبادرت نموده اند. در حال حاضر، کشورهایی که قبول کننده اساسنامه دیوان نیستند، و جزو دسته سوم به شمار می آیند دو کشور کامبوج و لائوس می باشند که طبق اعلامیه سال ۱۹۵۲ کماکان چنین وضعی را دارا هستند (میرعباسی، ۱۳۶۳: ۱۹۸).

صلاحیت دیوان در رسیدگی به اختلافات بین کشورها بستگی به رضایت کشورهای طرف دعوی دارد، «زیرا اعمال حق دادرسی و قضاوت در امور بین الملل جز بر مبنای میل و اراده دولت‌ها میسر نیست و توافق دولت‌ها شرط اصلی و قبلی اجرای روش قضاوت در حل و فصل اختلافات آن‌هاست» (فریدی عراقی، ۱۳۷۳: ۷). علاوه بر این صلاحیت که «صلاحیت قضایی یا تدافعی» نامیده می‌شود دیوان می‌تواند طبق ماده ۶۵ اساسنامه در هر مسئله قضایی به تقاضای هر سازمان و یا موسسه ای که در منشور ملل متحد پیش‌بینی شده، رأی مشورتی صادر کند، لذا، صلاحیت دیوان را می‌توان به دو نوع صلاحی ترافیعی و صلاحیت مشورتی تقسیم کرد که به اختصار مورد بررسی قرار می‌گیرند.

### ۳-۱. صلاحیت ترافیعی

صلاحیت ترافیعی (jurisdiction ratione litis) به معنای صلاحیت یک دیوان یا مرجع قضایی برای رسیدگی و صدور فرمان یا حکم دربارهٔ موضوعات و مسائل خاصی است که در حین رسیدگی به یک پرونده مطرح می‌شود. صلاحیت ترافیعی معمولاً به مقررات قانونی، قوانین داخلی یا توافق‌نامه‌های قراردادی بستگی دارد و تعیین می‌کند که دیوان یا مرجع قضایی آیا برای رسیدگی به مسئلهٔ مطروحه در پرونده صلاحیت دارد یا خیر.

صلاحیت ترافیعی می‌تواند به شکل‌های مختلفی در نظر گرفته شود:

۱. صلاحیت ترافیعی جغرافیایی: این نوع صلاحیت بر مبنای مکان جغرافیایی و وابستگی پرونده به منطقهٔ خاصی تعیین می‌شود. به عنوان مثال، صلاحیت محدود به دیوان‌ها یا مراجع قضایی مشخصی در یک کشور یا منطقه می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد.

۲. صلاحیت ترافیعی موضوعی: این نوع صلاحیت بر مبنای موضوع یا نوع پرونده تعیین می‌شود. برای مثال، یک دیوان خاص ممکن است فقط در موارد مربوط به حقوق تجارت بین‌المللی، حقوق بشر، حقوق دریانوردی و غیره صلاحیت داشته باشد.

۳. صلاحیت ترافیعی شخصی: این نوع صلاحیت بر اساس شخص یا وضعیت طرفین پرونده تعیین می‌شود. ممکن است دیوان یا مرجع قضایی صلاحیت خاصی در رابطه با شهروندان یا ملیت خاصی داشته باشد.

۴. صلاحیت ترافیعی مادی: این نوع صلاحیت مرتبط با نوع درخواست یا ادعا مطرح شده در پرونده است. به عنوان مثال، یک دیوان ممکن است فقط در موارد مربوط به تفسیر قراردادها، جبران خسارت، تفسیر قوانین داخلی و غیره صلاحیت داشته باشد.

<sup>۱۴</sup> - به سالنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، سال ۱۹۸۳، صفحات ۴۴ و ۴۵ مراجعه شود.

صلاحیت ترافیعی می‌تواند به تنهایی یا در ترکیب با دیگر موارد صلاحیت مانند صلاحیت زمانی، صلاحیت موضوعی و صلاحیت شخصی بررسی شود. این صلاحیت‌ها به منظور تضمین تعادل و عدالت در رسیدگی به پرونده‌های قضایی و جلوگیری از تعارض صلاحیت و تضاد در صدور حکم‌ها و فرمان‌های قضایی تعیین می‌شوند.

صلاحیت ترافیعی دیوان بین‌المللی دادگستری عبارت از حل و فصل اختلافات حقوقی فی‌مابین دولت‌ها بر اساس قواعد حقوق بین‌الملل است. بنابراین دیوان وسیله‌ای برای تحقق یکی از اهداف سازمان ملل متحد یعنی حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی بر طبق اصول عدالت و حقوق بین‌الملل، می‌باشد، اما همانطور که قبلاً دیدیم، به نظر می‌رسد که سازمان‌های بین‌المللی بخصوص سازمان ملل متحد به دلیل داشتن شخصیت حقوقی بین‌المللی نیز صلاحیت طرح دعوی خود را در دیوان داشته باشند (بیگ زاده، ۱۳۹۱).

صلاحیت ترافیعی دیوان، مبتنی بر رضایت کشورهای طرف دعوی می‌باشد و دیوان قبل از ورود به ماهیت اختلاف، این امر را باید احراز کند. مگر اینکه طرفین دعوی نسبت به صلاحیت دیوان، ایراد و اعتراض نکنند. زمان و نحوه اعلام رضایت و شکل سندی که به موجب آن، کشورها در مورد صلاحیت دیوان تراضی می‌کنند، مؤثر نمی‌باشد.

تعیین حدود و صلاحیت دیوان نیز بسته به رضایت کشورهای طرف دعوی می‌باشد. یعنی کشورها می‌توانند از قبول صلاحیت دیوان به کلی خودداری کنند و در نتیجه، دیوان نسبت به اختلاف آن‌ها، فاقد صلاحیت خواهد بود و حتی در صورت قبول صلاحیت دیوان، کشورها می‌توانند اختلافات معینی را از صلاحیت دیوان مستثنی کنند یا اینکه صلاحیت دیوان را برای زمان محدود و معینی قبول کنند.

رضایت کشورها، ممکن است به صورت زیر ابزار گردد:

## ۱ - قرارداد خاص<sup>۱۵</sup>

طبق بند یک ماده ۳۶ اساسنامه، دیوان بین‌المللی دادگستری، نسبت به کلیه اموری که اطراف دعوی به او رجوع می‌کنند، صلاحیت رسیدگی دارد. در چنین مواردی، طرفین اختلاف یا اطراف دعوی، طی قرارداد خاصی، رضایت می‌دهند که مسئله را به دیوان عرضه کنند و چون طرفین به اختیار درباره صلاحیت دیوان توافق کرده‌اند، لذا مجالی برای ایراد به صلاحیت باقی نمی‌ماند. موضوع اختلاف و طرفین آن باید بالصرحه تعیین گردد (بند یک ماده ۴۰ اساسنامه و ماده ۳۹ آیین دادرسی جدید دیوان). تاکنون دوازده مورد ذیل به وسیله قرارداد خاص به دیوان ارجاع شده است:

یک - دعوی حق پناهندگی (کلمبیا علیه پرو).

دو - دعوی مین کیه واکرهوس (فرانسه علیه انگلستان).

سه - دعوی حاکمیت بر پاره‌ای از اراضی مرزی (بلژیک علیه هلند).

چهار - دعوی فلات قاره دریای شمال (آلمان علیه دانمارک و هلند).

پنج - دعوی فلات قاره (تونس علیه لیبی).

شش - دعوی تعیین حدود و مرز دریایی در منطقه خلیج مین (کانادا علیه ایالات متحده آمریکا).

هفت - دعوی فلات قاره (لیبی علیه مالت).

هشت - دعوی تنگه کورفو (انگلستان علیه آلبانی).

15. Compromis

نه - دعوای مرزی (بوروکینافاسو علیه جمهوری مالی).

ده - دعوای مرز دریایی (السالوادر علیه هندوراس).

یازده - دعوای سرزمینی (لیبی علیه چاد).

دوازده - دعوای پروژۀ Gabcikovo - NAGYMAROS (هنگری علیه اسلواکی) در مورد تنگۀ کورفو، قرارداد خاص توسط طرفین، بعد از صدور رأی صلاحیت منعقد گردیده است. این نوع قرارداد خاص، در واقع تعیین کننده مسائلی هستند که از دیوان درباره آن‌ها نظرخواهی می‌شود و به صورتی، جهت دهنده تصمیمات آتی دیوان می‌باشد.

## ۲ - موارد مصرح ضمن قراردادها و عهدنامه‌ها<sup>۱۶</sup>

بند یک ماده ۳۶ اساسنامه، همچنین مقرر می‌دارد که دیوان به موارد خاصی که به موجب قراردادها و عهدنامه‌های جاری پیش‌بینی شده است، صلاحیت رسیدگی دارد. در چنین مواردی، قضیۀ مورد اختلاف، به وسیلۀ یک درخواست کتبی، نزد دیوان مطرح می‌گردد و کشور مدعی علیه ملزم به حضور در مقابل دیوان می‌باشد.

این الزام ناشی از رضایتی است که دولت مدعی علیه، ضمن قرارداد یا عهدنامه مورد استناد کشور مدعی، قبلاً به‌طور کلی برای رجوع اختلافات خود به دیوان ابراز کرده است. درخواست کتبی مورد نظر، یک سند یک جانبه است که باید موضوع اختلاف و اصحاب دعوی را در بر داشته باشد (بند یک ماده ۴۰ اساسنامه) و نیز تا آنجا که ممکن است، مبنای صلاحیت دیوان توسط مدعی، بیان و تشریح گردیده باشد (ماده ۳۸ آیین دادرسی جدید). به لیست این عهدنامه‌ها و قراردادها، عهدنامه‌ها و قراردادهای دیگری را باید افزود که بر طبق آن‌ها، به دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی، اعطای صلاحیت شده است. زیرا طبق ماده ۳۷ اساسنامه، هرگاه به موجب یک عهدنامه یا قراردادی که هنوز معتبر است، ارجاع اختلاف به هیئت قضایی پیش‌بینی شده باشد که بایستی از طرف جامعه ملل یا دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی تشکیل گردد، نسبت به امضاء کنندگان این اساسنامه، آن هیئت قضاوت عبارت خواهد بود از دیوان بین‌المللی دادگستری. لذا، هرگاه میان امضاءکنندگان این نوع عهدنامه‌ها و قراردادهای اختلافی رخ دهد، هر یک از طرفین آن اختلاف، می‌تواند به دیوان فعلی رجوع کند و طرف دیگر، ملزم به حضور در مقابل دیوان است و ایراد او به صلاحیت دیوان، مسموم نمی‌باشد. زیرا، قبلاً رضایت به صلاحیت دیوان دائمی داده است و به موجب ماده ۳۷ اساسنامه، رضایت به صلاحیت دیوان دائمی، در حکم رضایت به صلاحیت دیوان فعلی می‌باشد.

## ۳ - شرط اختیاری قضاوت اجباری

اساسنامه دیوان مقرر می‌دارد که کشورها می‌توانند صلاحیت دیوان را نسبت به مسائل حقوقی در رابطه با هر کشور دیگری که چنین تعهدی را پذیرفته باشد، بشناسند. این شرایط در بندهای دو الی پنج ماده ۳۶ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، به بیان زیر قید شده است:

۲ - کشورهای امضاء کننده این اساسنامه، می‌توانند در هر موقع اعلام دارند که قضاوت اجباری دیوان بین‌المللی دادگستری را نسبت به تمام اختلافاتی که جنبۀ قضایی داشته و مربوط به موضوعات ذیل باشد، در مقابل هر دولت دیگری که این تعهد را متقبل گردد، به‌خودی‌خود و بدون قرارداد خاص، قبول می‌نماید:

<sup>۱۶</sup> - جهت اطلاع از لیست این گونه قراردادها و عهدنامه‌ها، اعم از دو جانبه و چند جانبه، به صفحات ۹۳ تا ۱۱۰ و صفحات ۵۲ تا ۵۷ سالنامه سال ۱۹۸۳ دیوان بین‌المللی دادگستری مراجعه شود.



الف - تفسیر یک عهدنامه.

ب - هر موضوعی که مربوط به حقوق بین‌الملل باشد.

ج - واقعیت هر عملی که در صورت ثبوت، نقض یک تعهد بین‌المللی محسوب می‌گردد.

د - نوع و میزان غرامتی که باید برای نقض یک تعهد بین‌المللی معین شود.

۳ - اعلامیه‌های مذکور در بالا، ممکن است بدون هیچ قید و یا به شرط معامله متقابل با چند دولت و یا با بعضی از آن‌ها و یا برای مدت معینی به عمل آید.

۴ - این اعلامیه‌ها، به دبیر کل دبیرخانه سازمان ملل متحد تسلیم می‌گردند و مشارالیه رونوشت آن را به امضاء کنندگان این اساسنامه و همچنین به دفتر دیوان بین‌المللی دادگستری، ارسال می‌دارد.

۵ - اعلامیه‌هایی که به موجب ماده ۳۶ اساسنامه دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی، برای مدت معینی به عمل آمده و هنوز آن مدت منقضی نگشته است، در روابط بین امضاء کنندگان این اساسنامه، در حکم آن، خواهد بود که قضاوت اجباری بین‌المللی دادگستری برای بقیه مدت مذکور در اعلامیه‌ها و بر طبق مقررات آن‌ها قبول شده است.»

در سال ۱۹۳۹، از ۵۹ کشوری که عضویت اساسنامه دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری را پذیرفته بودند ۵۴ کشور یعنی اکثریت قریب به اتفاق کشورها، شرط اختیاری قضاوت اجباری را پذیرفته بودند. اما تا اول ژوئیه ۱۹۸۳، از مجموع ۱۶۰ کشوری که عضویت اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری را پذیرفته اند، فقط ۴۷ کشور شرط اختیاری قضاوت اجباری را قبول نموده اند.<sup>۱۷</sup>

تاکنون اتحاد جماهیر شوروی (سابق) و کشورهای دیگر سوسیالیستی، از پذیرش شرط مذکور خودداری نموده اند. قابل ذکر است که تعدادی از کشورها هم اعلامیه شرط اختیاری قضاوت اجباری را به صورت مشروط پذیرفته اند. یعنی مدت اعتبار آن را محدود (معمولاً پنج سال) اعلام داشته و یا منوط به عمل متقابل به مثل از طرف چند کشور و یا بعضی از کشورها دانسته اند. البته این عمل، طبق بند سوم ماده ۳۶ اساسنامه دیوان، مجاز می‌باشد. به طور کلی، این عدم اعتمادی که درباره دیوان بین‌المللی دادگستری وجود دارد، ناشی از علل گوناگون و از آن جمله، سلب اعتماد کشورهای جهان سوم نسبت به عملکرد و جهت‌گیریهای آن در مسائل بین‌المللی است.<sup>۱۸</sup>

ج - نحوه تشخیص صلاحیت دیوان

### ۱ - صلاحیت در تعیین صلاحیت

دیوان بین‌المللی دادگستری، نسبت به تعیین صلاحیت خود، حق اتخاذ تصمیم دارد. بند ششم ماده ۳۶ اساسنامه دیوان، در این خصوص چنین اشعار می‌دارد: «در صورت اختلاف راجع به صلاحیت دیوان، حکم دیوان قاطع است.» عبارات بند ششم

<sup>۱۷</sup> - از سال ۱۹۵۱ تاکنون، کشورهای: افریقای جنوبی، بولیوی، برزیل، چین، فرانسه، گواتمالا، ایران، تایلند و ترکیه که قبلاً شرط اختیاری قضاوت اجباری دیوان بین‌المللی دادگستری را پذیرفته بودند، یا صریحاً و یا با استفاده از امکانات موجود در بند پنج ماده ۳۶ اساسنامه، آن را ساقط و یا دیگر تمدید نموده اند. جهت این توضیحات و نیز آگاهی از متن اعلامیه‌های قبول شرط اختیاری قضاوت اجباری کشورهای فوق الذکر، به سالنامه سال ۱۹۸۳ دیوان بین‌المللی دادگستری، صفحات ۵۸ تا ۹۲ مراجعه فرمایید.

<sup>۱۸</sup> - برای یک بررسی همه جانبه و فراگیر در مورد این مطالب، مراجعه شود به:

ANAND, (R.P.): international courts and cotemporay conflicts, dehli, 1969; dupuy, (r.j.): presentation synthetique de lajustice unternational., paris, i.h.e.i. 1965 - 1966. 97 p.; shihata, (i.) "the attitude of new states toward t

خیلی روشن است و در حقیقت شامل هرگونه اختلافی است که راجع به صلاحیت دیوان پیش بیاید. البته دیوان تصمیم خود را نفیاً «یا اثباتاً» باید مطابق قواعدی اتخاذ کند که راجع به صلاحیتش در منشور ملل متحد و اساسنامه و آیین دادرسی و عهدنامه ها و یا اعلامیه‌ها مندرج است. رضایت کشورها در مورد صلاحیت اختیاری دیوان، احتیاج به اثبات و احراز ندارد و فقط در مورد صلاحیت اجباری ممکن است میان کشورهای طرف دعوی، در صلاحیت دیوان، اختلافی موجود باشد. بنابراین تشخیص صلاحیت دیوان، به معنی حل اختلاف کشورها راجع به صلاحیت اجباری دیوان می‌باشد. همان طور که اشاره شد، کشورها، صلاحیت اجباری دیوان را یا به موجب قراردادهای و یا عهدنامه‌های جاری و یا مفاد مشترک اعلامیه‌های طرفین اختلاف است.

نتیجه آنکه، مرجع حل هرگونه اختلاف کشورها راجع به صلاحیت دیوان، خود دیوان می‌باشد و این یک اصل مسلم حقوق بین‌الملل است که در بند ششم ماده ۳۶ اساسنامه مسجل گردیده و رویه قضایی دیوان دائمی و دیوان فعلی، آن را تأیید کرده و مورد قبول کلیه دانشمندان و حقوقدانان بین‌المللی است و هر شرطی که در عهدنامه ها و قراردادهای با اعلامیه‌ها، برخلاف اصل مسلم حقوقی فوق درج شود، باطل است. ماده ۷۹ آیین دادرسی جدید دیوان، ناظر به ثبت ایرادات مقدماتی و کیفیت تصمیم‌گیری دیوان نسبت به این ایرادات می‌باشد. تا پایان سال ۱۹۹۳، در ۲۲ دعوی ذیل، ایرادات مقدماتی مطرح گردیده است:

۱ - دعوی تنگه کورفو ۲ - دعوی حقوق اتباع ایالات متحده آمریکا در مراکش ۳ - دعوی آمباتیلوس ۴ - دعوی شرکت نفت ایران و انگلیس ۵ - دعوی نوته بام ۶ - دعوی Or Monetair Pris a ROME en ۱۱۹۴۳ ۷ - دعوی برخی قرضه های نروژ ۸ - دعوی حق عبور از سرزمین هند ۹ - دعوی اینرهندل ۱۰ - دعوی سانحه هوایی ۲۷ ژوئیه ۱۹۵۵ (دودعوی) ۱۱ - دعوی بارسلوناتراکشن ۱۲ - دعوی du RADIO - ORIENT ۱۳ - دعوی معبد ۱۴ - دعوی افریقای جنوبی (دو مورد) ۱۵ - دعوی کامرون شمالی ۱۶ - دعوی بارسلوناتراکشن (دادخواست جدید ۱۹۶۲) دعوی سانحه هوایی ایرباس ایران، دعوی سکوهای نفتی ایران، دعوی بخشهایی از سرزمین فسفات نورو و دعوی شرکت الکترونیک سیکولا (آمریکا علیه ایتالیا). همچنین در دوازده مورد دعوی زیر، ایراد به صلاحیت دیوان مطرح گردیده است:

۱ - دعوی تجدیدنظر راجع به صلاحیت شورای I.C.A.O. (سازمان هواپیمایی کشوری بین‌المللی) ۲ - دعوی صلاحیت راجع به ماهیگیری (دو دعوی) ۳ - دعوی آزمایشهای هسته‌ای (دو دعوی) ۴ - دعوی محاکمه زندانیان پاکستانی ۵ - دعوی فلات قاره دریای اژه ۶ - دعوی کارمندان سفارت و کنسولگری آمریکا در تهران (گروگان گیری)، دعوی اقدامات نظامی و شبه نظامی آمریکا علیه نیکاراگوا - دعوی اقدامات نظامی درون مرزی و برون مرزی نیکاراگوا علیه هندوراس - دعوی تعیین حدود مرز دریایی و مسائل سرزمینی قطر و بحرین و دعوی تیمور شرقی.

## ۲ - تفسیر حکم

اگر طرفین دعوی در معنی و مفهوم رأی صادره از طرف دیوان و یا در حد شمول آن، اختلاف پیدا کنند، بدیهی است که اجرای حکم، دشوار خواهد بود. از آنجایی که دیوان مرجع بدوی و نهایی رسیدگی قضایی به اختلافات بین‌المللی است و مرجع استینافی ندارد و احکامش قطعی و غیرقابل استیناف است، لذا در صورت بروز اختلاف، به موجب ماده ۶۰ اساسنامه، دیوان می‌تواند نظر به درخواست هر طرفی، رأی خود را تفسیر نماید. ماده ۶۰ اساسنامه، به این شرح است:

«احکام دیوان، قطعی و غیرقابل شکایت است. در صورت اختلاف راجع به معنی حدود حکم، خود دیوان می‌تواند نظر به درخواست هر طرفی، آن را تفسیر نماید.»

تقاضای تفسیر رأی صادره ممکن است طبق قرارداد خاص به عمل آید ولی اگر طرفین دعوی موافقت حاصل نکردند، هر یک از آن‌ها می‌تواند دادخواستی بدین منظور تقدیم دیوان کند و حکم مورد نظر و نکات مورد اختلاف را به‌طور مشخص و معین، بیان کند (ندهای یک و دو ماده ۹۸ آیین دادرسی جدید).

در صورتی که تقاضای تفسیر به وسیله دادخواست به عمل آمده باشد، دبیرخانه دیوان، رونوشت دادخواست را برای سایر اصحاب دعوی می‌فرستد تا ملاحظات خود را تقدیم کنند و در هر صورت، دیوان می‌تواند از اصحاب دعوی بخواهد که کتباً یا شفاهی، توضیحات بیشتری در خصوص موارد اختلاف بدهند (بندهای ۳ و ۴ ماده ۹۸ آیین دادرسی جدید).

تاکنون دیوان در هر یک مورد یعنی دعوی حق پناهندگی<sup>۱۹</sup> (کلمبیا علیه پرو)، اقدام به تفسیر رأی خود نموده است.

### ۳- اعاده دادرسی

همان طوری که گفته شد، رأی دیوان، نهایی و لازم الاجراء است و قابل شکایت پژوهشی و نیز فرجامی نمی‌باشد. اعتراض به رأی دیوان هم میسر نیست و فقط می‌توان اعاده دادرسی کرد. اگر کشوری پس از صدور رأی دیوان، موضوعی را کشف کند که یک عامل مؤثر در رأی محسوب گردد و آن موضوع در زمان صدور رأی، برای دیوان و نیز برای دولتی که تقاضای اعاده دادرسی می‌کند، معلوم نبوده باشد، مشروط بر اینکه این عدم اطلاع به علت غفلت و اهمال نباشد، در این صورت، می‌تواند دادخواستی مبنی بر تقاضای اجازه اعاده دادرسی، تقدیم دیوان کند (بند یک ماده ۶۱ اساسنامه دیوان). به‌طور کلی، ماده ۶۱ اساسنامه دیوان در این مورد چنین اشعار می‌دارد:

۱- تجدیدنظر از حکم را نمی‌توان از دیوان تقاضا نمود مگر در صورت کشف یک امر که در قضیه اثر قطعی داشته و قبل از صدور حکم، خود دیوان و طرفی که تقاضای تجدیدنظر می‌نماید، از وجود آن امر اطلاع نداشته اند و از ناحیه طرف مزبور هم تقصیری برای این عدم اطلاع نبوده است.

۲- آیین تجدیدنظر، بر طبق حکمی شروع می‌شود که از طرف دیوان صادر شده و به‌موجب آن، صراحتاً وجود امر جدیدی را که دارای کیفیات لازم برای امکان تجدیدنظر می‌باشد، شاهد آورده و از این حیث درخواست تجدیدنظر را قابل قبول اعلام می‌دارد.

۳- دیوان می‌تواند شروع آیین تجدیدنظر را، به اجرای حکم قبلی متوقف سازد.

۴- پس از انقضای ده سال از تاریخ حکم، هیچ درخواست تجدیدنظر امکان پذیر نخواهد بود.

دیوان پس از احراز مراتب مندرج در ماده فوق، به‌موجب یک رأی مستقل، تقاضای اعاده دادرسی را قبول می‌کند (ماده ۱۰۰ آیین دادرسی جدید) و این قبول دادخواست، ممکن است غیرمشروط باشد و نیز ممکن است به شرط اجرای رأی قبلی مورد اعاده دادرسی انجام گیرد. در صورت اخیر، دبیرخانه دیوان، به کشور متقاضی، تصمیم دیوان را اطلاع می‌دهد و شروع به رسیدگی ماهوی در مرحله اعاده دادرسی، موکول به اجرای رأی قبلی دیوان و اعلام مراتب می‌باشد (بند ۵ ماده ۹۹ آیین دادرسی جدید). اگر رأی مورد اعاده دادرسی را خود دیوان داده باشد، تصمیم درباره تقاضای دادرسی نیز به عهده دیوان است ولی اگر رأی مزبور از یک شعبه دیوان صادر شده باشد، در آن صورت، همان شعبه درباره تقاضای اعاده دادرسی، باید تصمیم

<sup>۱۹</sup> - بنگرید به: سالنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، سال ۹۴ - ۱۹۹۳، ص ۷۳

بگیرد (بند اول ماده ۱۰۰ آیین دادرسی جدید). تا پایان سال ۱۹۹۳، برای اعاده دادرسی فقط یک مورد پیدا شده است. و آن هم در دعوی فلات قاره تونس علیه لیبی بوده است (سالنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، ۱۹۹۳: ۴۸).

### ۳-۲. صلاحیت مشورتی

صلاحیت مشورتی یا Advisory Jurisdiction به معنای صلاحیتی است که توسط برخی دیوان‌ها و مراجع قضایی برای ارائه نظریات و تفسیر حقوقی در مورد مسائلی که به آنها مطرح می‌شود، تعیین می‌شود. در این صورت، دیوان یا مرجع قضایی نه فقط برای رسیدگی و صدور حکم در پرونده‌های خاص صلاحیت دارد، بلکه می‌تواند به درخواست سازمان‌ها، دولت‌ها یا سایر نهادها نظریات و توصیه‌های حقوقی ارائه دهد.

صلاحیت مشورتی به عنوان یکی از صلاحیت‌های دیوان بین‌المللی دادگستری نیز شناخته می‌شود. در این صورت، دولت‌ها و سازمان‌ها می‌توانند درخواست ارائه نظریات حقوقی در مورد مسائل بین‌المللی خاصی را به دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح کنند.

این نظریات مشورتی بوده و برای دولت‌ها الزامی نیست، اما معمولاً به عنوان یک منبع حقوقی قابل توجه در تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی استفاده می‌شوند.

صلاحیت مشورتی به دیوان‌ها و مراجع قضایی امکان می‌دهد تا با ارائه نظریات خود، به رفع ابهامات حقوقی و توضیح مواردی که به آنها اشاره شده، کمک کنند. این صلاحیت در فرآیندهای تفسیری و تطبیق قوانین، حل اختلافات و توسعه حقوق بین‌المللی اهمیت دارد.

صلاحیت مشورتی به دیوان‌ها و مراجع قضایی اجازه می‌دهد تا نظریات و تفسیرهای حقوقی در مورد مسائل بین‌المللی را ارائه کنند. این نظریات به صورت مشورتی و غیرقابل اجرا هستند، یعنی دیوان یا مرجع قضایی مشورتی فقط نظر خود را ارائه می‌دهد و دولت‌ها و سازمان‌ها نیز الزامی برای اجرای آن ندارند. با این حال، نظریات مشورتی دیوان‌ها معمولاً توسط دولت‌ها، سازمان‌ها و دیگر نهادهای بین‌المللی به عنوان مرجعی قابل توجه در تصمیم‌گیری‌های حقوقی و سیاسی بین‌المللی در نظر گرفته می‌شوند.

صلاحیت مشورتی در مواردی که نیاز به تفسیر قانون، تبیین حقوق و واضح‌سازی مفاهیم حقوقی وجود دارد، اهمیت دارد. در این موارد، دیوان یا مرجع قضایی می‌تواند به درخواست دولت‌ها یا سازمان‌ها، نظر خود را در مورد تفسیر مفاد یک قرارداد، تعبیر حقوق بین‌المللی عمومی، تعبیر مفاهیم حقوقی و غیره ارائه دهد. این نظریات معمولاً به صورت رسمی و با توجه به اصول حقوقی و قانونی ارائه می‌شوند و به عنوان منبعی مهم برای توسعه و تطبیق حقوق بین‌المللی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

صلاحیت مشورتی به دیوان‌ها و مراجع قضایی امکان می‌دهد که با ارائه نظریات خود، در رفع ابهامات حقوقی، تضمین توافق نظر بین کشورها و سازمان‌ها، ایجاد تفاهم واضح در مورد حقوق بین‌المللی و تسهیل فرآیند تطبیق و توسعه حقوق بین‌المللی کمک کنند.

مانند دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری که به موجب ماده ۱۴ میثاق، دارای صلاحیت مشورتی بود، دیوان بین‌المللی دادگستری نیز به موجب ماده ۹۶ منشور ملل متحد و فصل چهارم اساسنامه (مواد ۶۵ الی ۶۸) و مواد ۱۰۲ تا ۱۰۹ آیین دادرسی، دارای صلاحیت مشورتی است که ذیلاً به بررسی ابعاد مختلف آن، می‌پردازیم.

## کلیات

در این بند، تعریف و تحولات صلاحیت مشورتی، مورد بحث قرار می‌گیرد:

### ۱- تعریف

صلاحیت مشورتی، اختیاری است که ملل متحد به دیوان بین‌المللی دادگستری داده تا در حدود مقررات منشور و اساسنامه راجع به مسائل حقوقی که سازمان‌های بین‌المللی به دیوان ارجاع می‌کنند، رأی مشورتی بدهد. عناصر این تعریف، به شرح زیر قابل بررسی است:

یک - منشأ اختیار: منشور ملل متحد (ماده ۹۶) و اساسنامه خود دیوان (مواد ۶۵ تا ۶۸) است که چنین اختیاری را به دیوان، تفویض نموده است. از آنجایی که هم منشور و هم اساسنامه، ناشی از اراده نمایندگان دول می‌باشد، پس می‌توان گفت که منشأ رأی مشورتی، اراده ملل متحد است. ولی همان گونه که ملاحظه شد، مبانی صلاحیت توافقی دیوان، ناشی از اراده دولت‌هایی است که طرفین یا اطراف اختلاف هستند.

دو - ویژگی تقاضاکننده: ماده ۹۶ منشور، اشخاصی را که می‌توانند رأی مشورتی تقاضا کنند، معلوم کرده است. این اشخاص، عبارتند از:

۱- مجمع عمومی و شورای امنیت (بند اول)

۲- سایر ارکان ملل متحد و سازمان‌های تخصصی وابسته به ملل متحد در صورتی که از طرف مجمع عمومی مجاز شمرده شده باشند (بند دوم).

۳- موضوع رأی مشورتی: موضوع رأی مشورتی باید مسائل حقوقی باشد. مجمع عمومی و شورای امنیت، راجع به هر مسئله حقوقی، حق تقاضای رأی مشورتی را دارند ولی سایر ارکان ملل متحد و سازمان‌های تخصصی، فقط راجع به مسائلی می‌توانند تقاضای رأی مشورتی کنند که اولاً حقوقی باشد و ثانیاً در محدوده فعالیت‌های آن‌ها بگنجد.

۴- خصوصیات رأی مشورتی: همانطور که در ادامه بحث، با تفصیل بیشتری مشاهده خواهد شد، اولاً در تعریف صلاحیت مشورتی، گفته شده است «اختیاری است که...» پس محرز می‌گردد که دیوان در این موارد، الزامی برای رسیدگی و صدور رأی ندارد. ثانیاً، پیروی از نظریه مشورتی دیوان، برای کشورها، الزامی نیست. در صورتی که قبلاً ملاحظه شد که پیروی از آراء توافقی دیوان، برای طرفین یا اطراف دعوی الزامی است (محبی و بذار، ۱۳۹۹: ۴۵).

ثانیاً، هدف از صدور رأی مشورتی، بر طرف نمودن ابهام سازمان‌های بین‌المللی در خصوص نکات مبهم حقوقی است، در حالیکه در آراء توافقی، الزام کشورها به رعایت مفاد رأی، مدنظر می‌باشد.

### ۲- تحولات صلاحیت مشورتی

همان طوری که در بخش مربوط به دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری گفته شد، صلاحیت مشورتی، یک نهاد حقوقی است که از سیستم حقوقی «انگلو ساکسون» وارد میثاق جامعه ملل سابق گردیده است. در اساسنامه دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری، ابتدائاً، تقاضای رأی مشورتی، پیش‌بینی نشده بود. با توجه به اینکه ارکان جامعه ملل در عمل با یک سلسله سئولات حقوقی مواجه بودند که یافتن راه‌حل مناسب آن‌ها می‌توانست ارکان جامعه ملل را در انجام وظایف خود یاری کند، سرانجام پس از تردیدهای بسیار، مقررات مربوط به چگونگی درخواست نظر مشورتی در ۱۹۲۹، در مواد ۶۵ تا ۶۸ اساسنامه دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی، گنجانیده شد.

در کنفرانس «سافرانسیسکو» در سال ۱۹۴۵، چارچوب پذیرفته شده برای تقاضای رأی مشورتی در سال ۱۹۲۹ در منشور نیز پذیرفته شد. با این تفاوت که اختیار درخواست رأی مشورتی، فقط محدود به مجمع عمومی و شورای امنیت نگردید، بلکه سایر ارکان ملل متحد (به جز دبیرخانه) و نیز سازمان‌های تخصصی با تصویب مجمع عمومی و در محدوده وظایف محوله، می‌توانند رأی مشورتی درخواست کنند. در این زمینه، مواد اساسنامه فعلی، همان مقررات اساسنامه قبلی پس از اصلاح می‌باشد.

### ۳-۳. مبانی صلاحیت مشورتی

اعلام نظریه مشورتی توسط دیوان بین‌المللی دادگستری را ماده ۹۶ منشور، پیش‌بینی کرده است. به علاوه، ماده ۶۵ اساسنامه دیوان، نحوه درخواست رأی مشورتی را مشخص کرده است.

طبق بند یک ماده ۹۶ منشور، «مجمع عمومی یا شورای امنیت، می‌توانند درباره هر مسئله حقوقی از دیوان بین‌المللی دادگستری، درخواست نظر مشورتی کنند.» همچنین بر اساس بند دوم همین ماده، سایر ارکان ملل متحد و سازمان‌های تخصصی، با تصویب مجمع عمومی، اختیار درخواست نظر مشورتی را پیدا می‌کنند. در تکمیل موازین منشور، بند یک ماده ۶۵ اساسنامه دیوان، مقرر می‌دارد: «دیوان می‌تواند در هر مسئله حقوقی به تقاضای هر رکن یا سازمانی که منشور ملل متحد به او اجازه چنین تقاضایی را می‌دهد و یا بر طبق مقررات آن منشور می‌تواند این اقدام را به عمل آورد، رأی مشورتی صادر نماید.» بنابراین، اصولاً مبنای صلاحیت مشورتی دیوان، همان مقررات منشور و اساسنامه است و چون در این‌گونه موارد، مسئله مطروحه در دیوان، فقط یک طرف دارد که همان متقاضی رأی مشورتی است (سایر سازمان‌های بین‌المللی و همچنین دولت‌ها با عنوان مطلع در دیوان حضور می‌یابند)، لذا این فرض که رضایت یا تراضی لازم شمرده شود، مصداق پیدا نمی‌کند و رضایت دولت‌ها در نفی یا اثبات صلاحیت مشورتی، کمترین تأثیری ندارد.

دیوان در رأی مشورتی ۳۰ مارس ۱۹۵۰ خود که بنابر تقاضای مجمع عمومی درباره تفسیر موادی از عهدنامه‌های صلح با بلغارستان و مجارستان و رمانی صادر نمود، صراحتاً در این باره اعلام داشت: «اعلام رضایت کشورهای طرف یک اختلاف، اساس صلاحیت دیوان در دعاوی ترافیعی است. در مورد صلاحیت مشورتی، وضع کاملاً متفاوت است، هرچند که ممکن است سؤال مطروحه جنبه حقوقی داشته باشد و به کشورها هم مربوط گردد. پاسخی که دیوان به مسئله مطروحه می‌دهد، در واقع مشارکت دیوان به‌عنوان رکنی از ارکان سازمان ملل متحد در اعمال سازمانی است و اصولاً نباید مورد امتناع قرار گیرد.»<sup>۲۰</sup> سپس دیوان، در ادامه همین رأی، می‌افزاید: «صحیح است که ماده ۶۸ اساسنامه مقرر می‌دارد که دیوان در جریان انجام وظایف مشورتی خود، می‌تواند از مواد مربوط به دادرسی ترافیعی راهنمایی جوید ولی طبق همان ماده، رعایت مواد مزبور تا جایی است که دیوان آن مواد را قابل تطبیق و اجرا تشخیص بدهد. بنابراین واضح است که اجرای مواد مزبور، بستگی به اوضاع و احوال هر قضیه دارد. به علاوه، دیوان در این خصوص از اختیارات زیاد و بسیار وسیعی برخوردار است.

در مورد این قضیه، دیوان مشغول بررسی و اخذ تصمیم نسبت به یک تقاضای رأی مشورتی است که صرفاً غرض از آن روشن کردن مجمع عمومی درباره امکاناتی است که در مواد عهدنامه‌های صلح موجود است و به وسیله آن‌ها، ممکن است وضعیت مطروحه در مجمع عمومی تسویه گردد. با توجه به منظور تقاضا که فوقاً بیان گردید، دیوان از طرف بلغارستان و مجارستان و

<sup>۲۰</sup> - رجوع شود به مجموعه آراء دیوان سال ۱۹۵۰، ص ۷۱

رمانی، هیچ جهت و دلیلی دریافت نکرده است که به موجب آن جهات و دلایل ملزم باشد که از دادن رأی مشورتی امتناع کند...»<sup>۲۱</sup>.

### ۳-۴. اشخاص صالح برای تقاضای رأی مشورتی

ماده ۹۶ منشور، در این باره صراحت دارد که:

۱ - مجمع عمومی و یا شورای امنیت، می‌توانند درباره هر مسئله حقوقی، از دیوان بین‌المللی دادگستری درخواست نظر مشورتی بنمایند.

۲ - سایر ارکان ملل متحد و مؤسسات تخصصی که ممکن است احياناً چنین اجازه ای از مجمع عمومی تحصیل کرده باشند نیز می‌توانند نظر مشورتی دیوان را در مورد مسائل حقوقی مطروحه در حدود فعالیتشان بخواهند.»

دیوان در رأی مشورتی ۳۰ مارس ۱۹۵۰، راجع به تفسیر عهدنامه‌های صلح با بلغارستان و مجارستان و رومانی، می‌گوید: «... رأی مشورتی دیوان بنا به تقاضای کشورها داده نمی‌شود، بلکه فقط به تقاضاهای سازمان‌هایی که مجاز باشند، دیوان مبادرت به دادن رأی مشورتی می‌کند.»<sup>۲۲</sup> نتیجتاً با توجه به رأی دیوان و ماده ۹۶ منشور، افراد عادی، شرکت‌های تجاری، سازمان‌های خصوصی اعم از داخلی و بین‌المللی و کشورها، حق تقاضای رأی مشورتی را ندارند و با توجه به مفاد این ماده، فقط ارکان اصلی و فرعی<sup>۲۳</sup> سازمان ملل متحد و سازمان‌های تخصصی وابسته به آن، این حق را دارند که ذیلاً درباره هر کدام جداگانه، توضیحات مختصری ارائه می‌گردد.

۱ - مجمع عمومی و شورای امنیت: بند یک ماده ۹۶، صراحتاً مقرر می‌دارد که مجمع عمومی و شورای امنیت درباره هر مسئله حقوقی، حق تقاضای رأی مشورتی دارند. پس برای احراز صلاحیت کافی است که دیوان دریابد که اولاً تقاضا از ناحیه مجمع عمومی یا شورای امنیت صورت گرفته و ثانیاً مسئله مورد تقاضا، یک امر حقوقی است. برخلاف شورای جامعه ملل سابق که اغلب تقاضای آرای مشورتی را به عمل آورده بود، شورای امنیت سازمان ملل، تاکنون جز در یک مورد (قضیه نامیبیا) چنین تقاضایی را ننموده است.

۲ - سایر ارکان سازمان ملل متحد: بند دوم ماده ۹۶ منشور می‌گوید: «سایر ارکان ملل متحد... که ممکن است احياناً چنین اجازه ای از مجمع عمومی تحصیل کرده باشند، نیز می‌توانند نظر مشورتی دیوان را در مورد مسائل حقوقی مطروحه در حدود فعالیت‌هایشان، بخواهند.»

ملاحظه می‌گردد که مجمع عمومی علاوه بر اینکه خود مستقیماً اجازه تقاضای رأی مشورتی دارد، به سایر ارکان ملل متحد و سازمان‌های تخصصی نیز می‌تواند چنین اجازه ای را بدهد. اما از میان سایر ارکان، دبیرخانه و رأس آن، دبیرکل سازمان ملل

<sup>۲۱</sup> - رجوع شود به: مجموعه آراء دیوان، سال ۱۹۵۰، ص ۷۲. و نیز جهت تحلیل مواضع قضات در این قضیه راجع به نظر مشورتی، رجوع شود به:

SCHWARZENBERGER, G.: International law as applied by International courts and tribunals, London, 1986, P.P. 562-576.

<sup>۲۲</sup> - رجوع شود به: مجموعه آراء دیوان سال ۱۹۵۰، ص ۷۱

<sup>۲۳</sup> - باید توجه کرد در بند دوم ماده ۹۶ گفته شده «سایر ارکان» (و نه سایر ارکان اصلی). نتیجتاً با توجه به عملکرد دیوان و نیز تفسیر صاحب نظران، بنظر مسلم می‌رسد که ارکان فرعی هم درخواست نظر مشورتی را پس از کسب نظر موافق مجمع عمومی، دارا هستند. در این باره بنگرید به:

KEITH, K.J: The EXTent of the advisory jurisdiction of the I.C.J., LEYDEN, Sijthoff, 1971, P.P. 37 - 38.

متحد، دارای چنین حقی نمی‌باشد.<sup>۲۴</sup> دبیر کل پیشین سازمان ملل متحد، یعنی آقای پرزدکوئیار، ضمن ارائه گزارش سالیانه خود به مجمع عمومی در سال ۱۹۹۰، پیشنهاد کرد که به او نیز اختیار درخواست رأی مشورتی از دیوان بین‌المللی دادگستری اعطاء کنند. دبیرکل بعدی یعنی آقای پتروس غالی نیز در گزارش سال ۱۹۹۲ خود، تحت عنوان «دستور کاری برای صلح» این درخواست را تکرار کرده است.<sup>۲۵</sup> آقای غالی معتقد است در صورتی که به وی چنین اختیاری داده شود، او می‌تواند راجع به اختلافاتی که دارای ابعاد حقوقی هستند، نظر مشورتی دیوان را خواستار گردد. دبیرکل در این باره چنین استدلال می‌کند که اولاً از میان ارکان ملل متحد، فقط به دبیرخانه چنین اختیاری داده نشده و طبق بند دوم ماده ۹۶ منشور، مجمع عمومی می‌تواند چنین اختیاری را به دبیرکل اعطا نماید. ثانیاً درخواست رأی مشورتی از سوی دبیرکل نسبت به درخواست رأی مشورتی توسط مجمع عمومی یا شورای امنیت، دارای مزیت است. زیرا طرح مسئله در دو رکن یاد شده، بار سیاسی می‌یابد و به راحتی درخواست نظر مشورتی را ممکن نمی‌سازد. در صورتی که طرح چنین درخواستی از سوی دبیرکل، راحت‌تر امکان پذیر است. ثالثاً دبیرکل معتقد است که اعطای چنین اختیاری به او، باید از دو لحاظ محدود شود. بدین معنا که او فقط در چارچوب صلاحیت‌های اعطائی، طبق ماده ۹۹ منشور، اختیار چنین درخواستی را داشته باشد. به علاوه، اگر درخواست رأی مشورتی به اختلافی مربوط شود، دبیرکل در صورت رضایت طرفین از چنین اختیاری برخوردار گردد.<sup>۲۶</sup> این درخواست دبیرکل تاکنون به دو دلیل زیر، جامه عمل به خود نپوشیده است:

یکی اینکه طبق رویه معمول، مجمع عمومی، فقط به ارکان شورایی سازمان ملل متحد اختیار درخواست نظر مشورتی اعطاء کرده است. زیرا ارکان مزبور، تمام جوانب امر را بررسی و آنگاه اتخاذ تصمیم می‌کند. لذا اعطای چنین مسئولیت مهمی به یک فرد، حتی اگر دبیرکل ملل متحد باشد، جایز نمی‌باشد.

دوم اینکه اعضای دائم شورای امنیت، محول کردن چنین اختیاری به دبیرکل را بنابر ملاحظات سیاسی، به مصلحت خود نمی‌دانند.

۳ - سازمان‌های تخصصی: همچنین بند دوم ماده ۹۶، اشعار می‌دارد: «... و سازمان‌های تخصصی که ممکن است احیاناً چنین اجازه‌ای از مجمع عمومی تحصیل کرده باشند نیز می‌توانند نظر مشورتی دیوان را در مورد مسائل مطروحه در حدود فعالیت‌هایشان، بخواهند.» همان طور که می‌دانیم، سازمان‌های تخصصی، به دو دسته وابسته و غیر وابسته به سازمان ملل متحد، تقسیم می‌گردند.<sup>۲۷</sup> با توجه به عملکرد دیوان، نه تنها سازمان‌های تخصصی وابسته به ملل متحد<sup>۲۸</sup>، بلکه آن دسته از سازمان‌های تخصصی که خارج از خانواده ملل متحد قرار دارند نیز حق تقاضای نظر مشورتی از دیوان را دارند (بون، ۲۰۲۰):

<sup>۲۴</sup> - حد اکثر کاری که دبیرکل می‌تواند انجام دهد، این است که مسایل مورد نظر را در دستور کار ارکان ملل متحد بگنجاند. رجوع شود به DAILLIER منبع پیش ذکر شده، ص ۱۲۸۵ و نیز رجوع شود به:

DUBISSON, M.: La cour International De Justice, Paris, L.G.D.J., 1964, P.P. 281 -282.

<sup>۲۵</sup> - رجوع شود به: غالی، پتروس، دستور کار برای صلح، سازمان ملل متحد، نیویورک، ۱۹۹۲ که ترجمه فارسی آن توسط اداره کل اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران صورت گرفته، ص ۲۲ پاراگراف ۳۸

<sup>۲۶</sup> - نگاه کنید به: اظهارات معاون حقوقی دبیرکل، خلاصه مذاکرات کمیته ششم، اجلاس چهل و پنجم مجمع عمومی، به نقل از: میرزایی ینگجه، سعید، «صلاحیت مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری» در مجله سیاست خارجی، سال نهم، پاییز ۱۳۷۲ شماره ۳، صص ۱۲۵۶ - ۱۲۷۴ و ۱۲۵۴.

<sup>۲۷</sup> - در این مورد بنگرید به: جزوه درسی راقم این سطور: سازمان‌های بین‌المللی، از انتشارات دانشگاه تهران، سال ۷۵ - ۱۳۷۴، صص ۲۲ - ۱۷ ص ۱۸ و

بعد

<sup>۲۸</sup> - به جز اتحادیه پست جهانی



۲۵). مثلاً سازمان بین‌المللی انرژی اتمی که جزء سازمان‌های تخصصی وابسته به ملل متحد نمی‌باشد، مجوز کسب نظر مشورتی را اخذ کرده است. برای اینکه یک سازمان تخصصی بتواند متقاضی رأی مشورتی از دیوان باشد، رعایت نکات و شرایط زیر، ضروری است:

- ۱ - تقاضا از طرف آن سازمان تخصصی و مقام ذیصلاح، به عمل آمده باشد.
  - ۲ - تقاضا، مربوط به یک مسئله حقوقی باشد.
  - ۳ - آن مسئله، در دایره فعالیت آن سازمان تخصصی بوده و تخلفی نسبت به سند تأسیس، صورت نگرفته باشد.
  - ۴ - مسئله مزبور، درباره روابط متقابل آن سازمان با سازمان ملل متحد یا سایر سازمان‌های تخصصی نباشد.
  - ۵ - سازمان‌های تخصصی، مسائل مورد تقاضا را به رکن شورای اقتصادی و اجتماعی، منعکس نمایند.
  - ۶ - مجمع عمومی، موافقت خود را در این مورد اعلام دارد.<sup>۲۹</sup>
- به‌موجب سالنامه سال ۹۴ - ۱۹۹۳ دیوان بین‌المللی دادگستری، ارکان و سازمان‌های تخصصی زیر، مجاز به تقاضای رأی مشورتی شده‌اند:

- ۱ - مجمع عمومی سازمان ملل متحد
- ۲ - شورای امنیت سازمان ملل متحد
- ۳ - شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد (اکوسوک)
- ۴ - شورای قیمومت سازمان ملل متحد
- ۵ - کمیته مخصوص مجمع عمومی، معروف به مجمع عمومی کوچک (رکن فرعی)
- ۶ - کمیته تهیه درخواستهای تجدیدنظر نسبت به آراء دادگاه‌های اداری
- ۷ - سازمان بین‌المللی کار
- ۸ - سازمان خوار و بار و کشاورزی ملل متحد
- ۹ - سازمان تربیتی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو)
- ۱۰ - سازمان بهداشت جهانی
- ۱۱ - بانک جهانی ترمیم و توسعه
- ۱۲ - همکاریهای مالی بین‌الملل
- ۱۳ - انجمن بین‌المللی توسعه
- ۱۴ - صندوق بین‌المللی پول
- ۱۵ - سازمان هوانوردی کشوری بین‌المللی (ایکائو)
- ۱۶ - اتحادیه مخابرات بین‌المللی
- ۱۷ - صندوق بین‌المللی برای توسعه کشاورزی
- ۱۸ - سازمان جهانی هواشناسی
- ۱۹ - سازمان بین‌المللی دریانوردی
- ۲۰ - سازمان جهانی مالکیت‌های معنوی

<sup>۲۹</sup> - رجوع شود به: KEITH, OP. cit, P.P. 39 - 40, ALSO p.235 و نیز، خاور، پیشین، صص ۳۸۷ - ۳۸۵

۲۱ - سازمان وابسته به ملل متحد برای توسعه صنعتی

۲۲ - سازمان بین‌المللی انرژی اتمی

### بحث و نتیجه‌گیری

حفظ صلح و امنیت بین‌المللی از مهم‌ترین اهداف ملل متحد به شمار می‌آید و سازمان و اعضای آن موظف شده‌اند تا در راستای انجام وظایف خویش بر طبق منشور (که از مهم‌ترین اسناد مدون بشر می‌باشد) و با رعایت اصول بنیادین و اساسی مندرج در آن از جمله: منع توسل به زور (قاعده سلبی) و لزوم حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی (قاعده ایجابی) عمل نمایند. لذا برای تحقق این اهداف، هرکدام از ارکان متحد و اعضای (دولت‌ها) در حدود وظایف خود باید در حفظ صلح مؤثر واقع گردند. این امر موجب شده تا احصاء این وظیفه مهم به یک رکن خاص مربوط نباشد. زیرا با اصول منشور و روح قواعد حقوق بین‌الملل در تضاد است بنابراین هر یک از ارکان اصلی ملل متحد اجزا مجموعه واحدی هستند که دارای اهداف و آرمان‌های مشترک می‌باشند هرچند که برای رسیدن به این اهداف و آرمان‌ها که بنیاد ملل متحد و منشور بر آن استوار است به‌طور مستقل عمل می‌نمایند. به این منظور ملل متحد دیوان بین‌المللی دادگستری را به‌عنوان رکن قضایی و اصلی سازمان تأسیس نموده است به‌طوری که اساسنامه آن جزء لاینفک منشور به‌حساب می‌آید و شرح وظایف و اختیارات دیوان در مجموع مواد اساسنامه بیانگر آن است که چهارچوب وظایف دیوان به خوبی مشخص و منفک شده است.

این امر موجب شده تا تعهد دولت‌ها به اجرای آراء دیوان نه‌تنها مبتنی بر اصل قضایی باشد، بلکه تعهدی ناشی از منشور تلقی گردد که در صورت تعارض بر سایر تعهدات جاری دولت‌ها اولویت دارد. از طرفی هرگاه دیوان در مقام یک دادگاه بین‌المللی در صورت درخواست طرفین دعوی مبادرت به تفسیر منشور و معاهدات بین‌المللی نماید، باوجود اینکه تفسیری رسمی از منشور تلقی نمی‌گردد اما می‌تواند واجد تبعات فراوانی برای اختیارات ارکان دیگر باشد و این مقوله، پتانسیل نوعی نظارت قضایی غیر رسمی و ضمنی را بر اعمال سایر ارکان به دنبال دارد. علت این امر آنست که دیوان بین‌المللی دادگستری یک دادگاه دائمی جهانی باصلاحیت عمومی است که بارزترین تفاوت آن با دیوان‌های قبلی و فعلی در این است که به‌عنوان رکن اصلی ساختار سازمان ملل محسوب می‌گردد و این امر موجب شده تا به هنگام انجام وظیفه، ملاحظات قضایی و سازمانی را به‌طور هم‌زمان رعایت نماید و حافظ کلی مشروعیت جامعه بین‌المللی در داخل یا خارج ساختار ملل متحد نیز باشد.

به‌رغم جایگاه رفیع دیوان در نظام ملل متحد به دلیل محدودیت‌های قانونی امکان فعالیت مؤثر از سوی دیوان همواره ممکن نبوده و در این زمینه دیوان با چالش‌های فراوانی من جمله: مشکلات تشکیلاتی و ساختاری، موانع سازمانی و محدودیت‌های صلاحیتی روبرو بوده است. به دلیل اینکه دیوان نیز مانند هر مرجع قضایی موظف است بر طبق اساسنامه خویش عمل نماید در حالیکه چندین دهه از تدوین اساسنامه دیوان می‌گذرد و جامعه بین‌المللی از یک جامعه عهد و استغالیایی دولت‌محور فاصله گرفته و به سمت جامعه مردم‌سالار در حرکت است و ظهور بازیگران جدید در عرصه‌های مختلف بین‌المللی و ظهور پدیده اداره فدرالیستی در بخش‌های مهمی از جهان و شکل‌گیری قواعد عالی (نظم عمومی بین‌المللی)، کماکان هیچ تغییری مهمی در اساسنامه و تطبیق آن با شرایط دنیای کنونی صورت نگرفته است. از مهم‌ترین این مشکلات می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود: تعداد و نحوه انتخاب قضات نامناسب است - ترکیب دیوان - کمبود بودجه دیوان - کمبود شعب تخصصی و عدم الزام دولت‌ها به طرح اختلافات خود در این شعب - ضمانت اجرای آرای دیوان - فرایند پیچیده و دشوار طی مراحل اصلاح و بازنگری در

اساسنامه مانند منشور در نظر گرفته شده است و به همین دلیل امکان جرح و تعدیل آن تاکنون فراهم نشده و موجب شده تا برخی از مواد آن با شرایط و نیازهای جامعه امروز همخوانی نداشته باشد.

درواقع دیوان بین‌المللی دادگستری از مجرای فعالیت قضایی خویش، همگام با شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد نق قابل‌ملاحظه‌ای در حل‌وفصل اختلافات بین‌المللی داشته و دارد. البته نباید از دیوان توقع بیش‌ازحد داشت چراکه همواره با موانع سازمانی، مشکلات ساختاری و محدودیت‌های صلاحیتی فراوانی مواجه بوده است و موجب شده تا نتواند در موضوعات مهم مرتبط با حفظ صلح و امنیت بین‌المللی من جمله: نقض حقوق بشر، حقوق بشردوستانه و حق تعیین سرنوشت اعمال صلاحیت نماید و انتظاری که از این رکن قضایی می‌رود، تحقق‌نیافته است برای افزایش کارایی و فعالیت مؤثر دیوان، لزوم بازبینی به‌ویژه در جهت گسترش حوزه صلاحیتی دیوان، امری بسیار ضروری به نظر می‌رسد تا دیوان بتواند به نحوه شایسته‌تری در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی مشارکت داشته باشد. دیوان با ارائه تفاسیر قضایی بر طبق حقوق بین‌الملل از منشور و معاهدات بین‌المللی و ایجاد رویه قضایی، نقش قابل‌ملاحظه‌ای در تداوم و توسعه حقوق بین‌الملل داشته و ضمن شناسایی حقوق عرفی آن‌ها را به نظم درآورده و با ایجاد رویه قضایی منسجم در ترسیم جایگاه اصل ممنوعیت توسل به‌زور و تعیین استثنائات، شرایط و معیارهای دفاع مشروع، دامنه این اقدامات را محدود نموده است.

## منابع

### الف: منابع فارسی

۱. آقایی، سید داوود، (۱۳۹۱). حقوق سازمان‌های بین‌المللی، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
۲. باقرزاده، محمدرضا (۱۳۸۲)، ضمانت اجراهای صلح و امنیت بین‌المللی، چاپ اول: قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
۳. بیگ زاده، ابراهیم، (۱۳۹۸) حقوق سازمان‌های بین‌المللی، چاپ ششم، تهران: انتشارات مجد.
۴. تدینی، عباس، (۲۰۱۱). حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی و بین‌الدولی، تهران: نشر میزان.
۵. جیمز جی اسلون - گلیدر آی هرناندز، (۱۳۹۶). دیوان بین‌المللی دادگستری و توسعه حقوق سازمانی سازمان ملل متحد، مترجم، مهدی حدادی، سیامک کریمی، چاپ اول، تهران: خرسندی.
۶. خاور، محمد، (۱۳۸۵). صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری، ناپ اوا، تهران، انتشارات چاپخانه بانک بازرگانی ایران.
۷. دولت‌شاه، حجت، (۱۳۹۲). تدوین منشور سازمان ملل متحد همراه با اساسنامه دیوان و عهدنامه ۱۹۶۹ وین، چاپ هشتم، تهران: انتشارات مجد.
۸. رهایی، سعید (۱۳۷۷). «عهدنامه‌های بین‌المللی و تعهدات دولت‌های ثالث از دیدگاه حقوق بین‌الملل و اسلام» تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
۹. زاهدی، مهدی (۱۳۷۱). بحران سیاسی و تحلیل حقوقی رای دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه کارکنان سیاسی و کنسول ایالات متحده، دانشگاه شهید بهشتی
۱۰. سادات میدانی، سیدحسین (۱۳۹۱). دیوان بین‌المللی دادگستری: ادله اثبات دعوی، تهران: ناشر جنگل
۱۱. سالنامه دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه

۱۲. سجادپور، سیدمحمد کاظم و محمدجواد ظریف (۱۳۸۹). سازمانهای بین‌المللی، تهران: ناشر میزان
۱۳. سهرابی، محمد، (۱۳۹۸). حقوق بین‌الملل عمومی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات گنج دانش
۱۴. فریدی عراقی، عبدالحمید (۱۳۶۸)، روش‌های مسالمت‌آمیز حل و فصل اختلافات بین‌المللی، تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
۱۵. موسی زاده، رضا، (۱۳۹۶). حقوق سازمان‌های بین‌المللی، چاپ هفدهم، تهران: نشر میزان.
۱۶. میرعباسی، سید باقر، (۱۳۹۱). حقوق بین‌الملل عمومی جلد دوم، چاپ پنجم، تهران: نشر میزان.
۱۷. میرعباسی، سیدباقر و سادات میدانی، سیدحسین، (۱۳۹۶). دادرسی‌های بین‌المللی دیوان بین‌المللی دادگستری در تئوری و عمل، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.
۱۸. میرعباسی، سیدباقر و سادات میدانی، سیدحسین، (۱۳۹۲). دادرسی‌های بین‌المللی دیوان بین‌المللی دادگستری، مسائل روز، چکیده آراء و اسناد، چاپ سوم، تهران: انتشارات جنگل.
۱۹. مالکوم ناتان شاو، (۱۳۹۴). روش‌های حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی، مترجمان نرگس حسینی، لطیفه حسینی، چاپ اول، تهران: خرسندی.
۲۰. وفایی، منصور، علیپور، عادل، (۱۳۹۵). حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی، تهران: انتشارات مجد.
۲۱. هومن فلدرن، زایدل، (۱۳۹۱). حقوق بین‌الملل اقتصادی، ترجمه قاسم زمانی، چاپ پنجم، تهران: شهر دانش.
۲۲. ابراهیم گل، علیرضا (۱۳۸۵). عفو در پرتو تحولات حقوق بین‌الملل و تاسیس دیوان کیفری بین‌المللی، فصلنامه تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی دوره ۹، شماره ۴۴ - شماره پیاپی ۴۴
۲۳. الهویی نظری، حمید، (۱۳۸۸). روند انسانی شدن حقوق بین‌الملل و اصل رضایی بودن صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری، همایش نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در تداوم و توسعه حقوق بین‌الملل، مجموعه مقالات ارائه شده، تهران: انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد.
۲۴. امید، علی (۱۳۹۲)، تحلیل حقوقی ابعاد و پیامدهای رای مشورتی دیوان دادگستری در خصوص اعلامیه استقلال کوزوو، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال پانزدهم، شماره ۴۱
۲۵. ایزدی علی، (۱۳۹۵). بررسی تاریخی و تحلیلی اجرای احکام دیوان بین‌المللی دادگستری، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۵۴، بهار - تابستان، صفحات ۲۱۸ - ۱۹۱
۲۶. ثریائی آذر حسین (۱۳۹۳). نگاهی به روش‌های حقوقی حل اختلافات بین‌المللی، تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری (دانشنامه حقوق و سیاست). دوره ۱۰ شماره ۲۱، صص ۲۳ - ۵۰
۲۷. جوانی، مارگریت (۱۳۸۴). نقش آرا دیوان بین‌المللی دادگستری در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، کانون وکلا، شماره ۱۸۸ و ۱۸۹
۲۸. حبیبی، همایون (۱۳۹۲)، شمالو، سوده، نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در توسعه حقوق بین‌الملل، پژوهش حقوق عمومی، شماره ۴۱
۲۹. گل کار سعیده، هاشمی سید محمد و زارع علی، (۱۳۹۸). تعارضات اخلاقی تصمیمات دیوان بین‌المللی دادگستری و شورای امنیت در حیطه حل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی، مجله پژوهش‌های اخلاقی، سال دهم، شماره یک، پاییز، صفحات ۳۰۲ - ۲۸۱
۳۰. مقامی امیر و انصاری سارا (۱۳۹۴). نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در حل‌وفصل اختلافات سازمان‌های بین‌المللی، نشریه مطالعات حقوق عمومی (حقوق)، دوره ۴۵، شماره ۳، پاییز، صفحات ۴۹۶ - ۴۷۱

۳۱. محبی و بذار، (۱۳۹۹). مراجعه به شورای امنیت سازمان ملل متحد برای اجرای آراء دیوان بین‌المللی دادگستری، پژوهش نامه ایرانی سیاست بین‌الملل بهار و تابستان، سال هشتم - شماره ۱۶ علمی-پژوهشی (وزارت علوم) 20/ ISC صفحه - از ۲۷۳ تا ۲۹۲)

۳۲. مرادی نوده، سیرالله؛ (۱۳۸۲). «اجرای تصمیمات دیوان بین‌المللی دادگستری»، مجله حقوق خصوصی، بهار - تابستان.  
۳۳. مصفا، نسرين، (۱۳۸۸). اصلاحات در دیوان بین‌المللی دادگستری، همایش نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در تداوم و توسعه حقوق بین‌الملل، مجموعه مقالات ارائه شده، تهران: انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد.

34. Anderson , David , Modern Law of the Sea , Martinus Nijhoff ( Netherland 2008)
35. Al-Qahtani, Mutlaq Majed, "Enforcement of International Judicial Decisions of the International Court of Justice in Public International Law", PhD Thesis, 2003, pp. 4-6.
36. Abi – saab, George, "The International Couart as a Word Court", in: Vaughan lowe(ed), Fifty Years of ICJ, 1996.
37. Archer, C., 2020, International Organizations, Routledge
38. Boon, K., 2020, Privileges and Immunities of International Organizations, Leiden Journal of International Law.
39. Daillier P Pellet A., Droit International Public , LGDJ, Paris 2002
40. Evans M.D , International Law , second ed., Oxford U.Press , New York 2003
41. HUDSON , M. O. : The Permanent Court of International Justice, 1920 – 1942 9 (A treatise). NEW YORK , 1972
42. John Cerone, "The World Court's Non-Opinion", Available at:<http://opiniojuris.org/2010/07/25/the-world-court's-non-opinion/trackback/> (Visited: 20 August
43. Kahir Moncef " Dictionnaire Juridique de la cour Internationale de Justice ". Bruxelles , Bruylant , 1997
44. Kempen, Bernhard and He, Zan. (2009), The Practice of the International Court of Justice on Provisional Measures: The Recent Development, Zeitschrift fur auslndisches offentliches Recht und Volkerrecht, Vol. 69, No. 3, pp. 919-929
45. Katselas, A.T., 2020, International Arbitration vs. International Adjudication for the Settlement of Disputes between States and International Organizations, University of Vienna Law School.
46. Lee – Iwamoto , Yoshiyuki Judgment : Recent ICJ Jurisprudence of Provisional. The Repercussions of the LaGrand Measures , Japanese Yearbook of International Law , Vol. 55, pp. 237 – 262
47. Llamzon, Aloysius P., "Jurisdiction and Compliance in Recent Decisions of the International Court of Justice", European Journal of International Law, 2008, p. 825.
48. LaGrand (Germany v. United States), ICJ Reports 2001, p. 109; Rylatt, Jake W, "Provisional Measures and the Authority of the International Court of Justice: Sovereignty vs. Efficiency", Leeds Journal of Law & Criminology, 2013, p. 62.
49. Lowe, Vaughan (ed), Fifty Years of International Court of Justic, (London: Cambridge University, press, 1996).
50. Lachs Manferd "Jurisdictional organs" in Dupuy Rene - jean , op. 146 – 166 , in particular, pp.146-160

51. Muller A.S, Raic D Thuranszky " The Internationale court of Justice , its future role after fifty years , The Hague , Martinus , 1997 , 433 pages
52. MASSIMO LANDO (2023). Advisory Opinions of the International Court of Justice in Respect of Disputes, <https://www.jtl.columbia.edu/volume-61/advisory-opinions-of-the-international-court-of-justice-in-respect-of-disputes>
53. Merrills, J. G., 2020, International Dispute Settlement, Cambridge University Press.
54. Mitchell A.,D., Sornarajah, M., Voon, T., 2020, Good Faith and International Economic Law, Oxford University Press.
55. Ovey Cl, Robin C.A.,The European Convention on Human Rights, fourth ed.,Oxford U. Press,UK200
56. Paulson, Colter, "Compliance with Final Judgments of the International Judgments of the International Court of Justice Since 1987", 98 American Journal of International Law, 2004.., pp. 457-60.
57. SCHLOCHAUER , H. J. ; Permanent Court of International Justice in Encyclopedia of Public International Law , Vol.1,p.p.163-179
58. Slomanson, William R, Fundamental Perspective on International Law, (Fifth Edition Thomson, 2007).
59. Sameh, Mohamed M. Amr., "The Role of the International Court of Justice as the Principal Judicial Organ of theUnited Nations", Kluwer law International, 2003.
60. separate opinion judge oda, I.c.j, Reports, p.471.oad reservations in the declarations of acceptance of the optional clause and the period of validity of those declarations": ByIL, 1988,pp,1-30